

عراق بعد از جنگ
وحدت را ترویج می‌کند

بی‌ثبات کردن داعش
ذریعه روان‌شناسی

دفاع قهرمانانه
از تصفیه‌خانه بیجی

UNIPATH



شکست
دادن داعش

عساکر عراقی در جون 2018 با هلیکوپترهای نظامی تمرین می‌کنند.
قوای هوایی اردوی عراق، در کنار قوای هوایی ائتلاف، نقشی حیانی
در لوجستیک و تخلیه قوا در جنگ علیه داعش ایفا کردند.

مسلكی آدری وارد/اردوی ایالات متحده



پیشمرگه‌های کرد عراقی در جنوری 2018 در مراسم
فارغ‌التحصیلی در دانشگاه نظامی زاخو اشتراک می‌کنند.
پیشمرگه‌ها دوشادوش دیگر جزوات‌های قوای مسلح عراق
برای شکست دادن داعش در شمال عراق جنگیدند.

آژانس خبری فرانسه/تصاویر گتی



UNIPATH

نسخه مخصوص

جلد 9



قوماندان سنتکام

جنرال جوزف ووتل
اردوی ایالات متحده



با ما تماس گیرید

Unipath
c/o Commander
U.S. Central Command
7115 S. Boundary Blvd.
MacDill AFB, FL 33621
USA
CENTCOM.
UNIPATH@MAIL.MIL

یونیپات یک مجله حرفه‌ای نظامی است که هر سه ماهه از طرف قوماندانی قوای مرکز ایالات متحده بحیث یک تبادل نظر بین‌المللی برای کارمندان قوای نظامی در مناطق شرق میانه و آسیای مرکزی، نشر می‌شود. افکار و اظهاراتی که در این مجله بیان شده‌اند الزاماً نمایندگی از سیاست‌ها یا نظریه این قوماندانی و یا از کدام سازمان و اداره دولتی ایالات متحده نمی‌کنند. مقاله‌های انتخابی توسط کارمندان یونیپات تحریر و تصنیف شده، و قرار ضرورت با تمجید از محتویات که یادداشت شده است. وزیر دفاع مصمم شده که نشر این مجله برای اجرای خدمت مردم قرار اساس‌نامه وزارت دفاع یک امر ضروری است.

(چاپ) ISSN 2333-1844
(آنلاین) ISSN 2333-1852

28 **تعمیر صدمات**
تمرکز بالای حقوق مدنی و انکشاف اقتصادی منجر به ایجاد حس اتحاد در شهرهای آزاد شده از دست داعش خواهد شد.
داکتر سعد الحدیثی، پروفیسور علوم سیاسی، دانشگاه بغداد

30 **شرح حال رهبری ارشد**
برید جنرال عراقی یحیی رسول عبدالله عبدالعزيزی، سخنگوی قوماندانی عملیات مشترک.

32 **ماورای منطقه**



بر روی جلد:

یک عضو قوای امنیتی عراق، در تاریخ 10 دسمبر 2017 بیرق عراق را به نشانه جشن پیروزی مهم بر داعش در میدان تحریر در بغداد، عراق حمل می‌کند. روبرتز

6 **دفاع قهرمانانه از بیجی**
مدافعان عراقی تقریباً یک سال در برابر حملات داعش به یک تصفیه‌خانه نفت استراتژیک مقاومت کردند.
دگروال ارکان علی سحام الکنانی، سرویس ضد تروریسم عراق

12 **حفظ امنیت بغداد**
از بین بردن حجره‌های دهشت‌افگنی در پایتخت عراق از کارهای مهم پس از شکست داعش است.

14 **مقاومت شجاعانه**
پیروزن عراقی چطور جان عساکر را نجات داد و الهام‌بخش ملت شد.

18 **تضعیف دشمن با کلمات**
اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی عراق به مهارت‌های مبارزه با تبلیغات دهشت‌افگنی دست یافته است.

22 **افغان‌ها به داعش حمله می‌کنند**
قوای عملیات خاص تروریستان را از پایگاه‌هایشان در شرق افغانستان بیرون می‌کنند.
بریدمن امی فورسیث، قوای بحری ایالات متحده

24 **جنگ روانی**
مصاحبه با تورن جنرال سعد العلق، رئیس اداره استخبارات نظامی عراق.



مناطق درگیر جنگ هشدار داده‌ایم. بناً باید با تمام قوای برادر و دوست به شکل یک گروه همکاری کنیم تا مانع از آن شویم که گروه‌های دهشت‌افگنی از فضای مناسب در فضاهایی که تحت پوشش دولت نیست استفاده کنند.

ما در جزو نام مبارزه با دهشت‌افگنی با سختی سعی کرده‌ایم تا قوایمان را برای انجام وظایف محوله مجدداً شکل‌دهی کنیم. ما از سال 2014 مبارزه، پیشروی و آزادسازی شهرها را من حیث یک قوای نظامی عادی انجام داده‌ایم. اما وظایف بخش مبارزه با دهشت‌افگنی شامل تعقیب و انهدام شبکه‌های دهشت‌افگنی و تعقیب کسانی است که از آنها حمایت کرده، تمویل آنها را انجام داده و هدایتشان می‌کنند. این کار به عراق محدود نیست. ما با برادرانمان در کشورهای همسایه و شرکایمان در خارج از کشور همکاری می‌کنیم تا معلومات مربوط به شبکه‌های دهشت‌افگنی را به اشتراک بگذاریم. این شبکه جهانی است و از بین بردن آن ضرورت به همکاری بین‌المللی دارد.

جهان شاهد یک انقلاب تکنالوجیکی است که منافع زیادی مثل علم و طبابت را برای بشریت به ارمغان آورده است، و در عین زمان باعث شده است که بیشتر در برابر خطرات تروریستان که افکار خود را در صفحات شبکه‌های اجتماعی نشر می‌دهند یا حملات همزمان به بی‌گناهان را پلان‌گذاری می‌کنند، آسیب‌پذیر باشیم. تروریستان از تکنالوجی مدرن برای گسترش مفکوره‌های افراطی و استخدام قوا استفاده می‌کنند. بناً ما نیز باید با انکشاف‌های تکنالوجیکی همراه شویم، آخرین تکنالوجی‌ها را در زمینه نظارت بالای تماس‌های مشکوک، تعقیب تلفون‌های موبایل، نظارت هوایی و دیگر تخنیک‌های مدرن برای شکار تروریستان به دست آوریم.

خطرات دهشت‌افگنی باعث شده است اردوها تخنیک‌های غیرشناخته شده جدیدی را برای مقابله با این تهدیدات روی دست بگیرند. گروه‌های دهشت‌افگنی در کوشش برای ناکام گذاشتن قوای نظامی، به سرعت عمل، استفاده از سلاح‌های سبک و پنهان شدن در میان جمعیت وابسته هستند. ما باید بالای ایجاد یک قوای غیرمتعارف با سلاح‌های سبک و تخنیک‌های مدرن تمرکز کنیم که بتواند در تمام شرایط با این گروه‌ها مقابله کنند و این انعطاف‌پذیری و سرعت را داشته باشند که در جریان یک ساعت مستقر شوند. ما به‌طور دوام دار توانایی‌های تخنیکی و تکتیکی خود را انکشاف می‌دهیم، در تمرینات بین‌المللی اشتراک می‌کنیم و تجربیات سودمندی را به اشتراک می‌گذاریم.

در خاتمه از شرکای بین‌المللی‌مان تشکری می‌کنیم که در جریان جنگ‌های آزادسازی به ارائه حمایت، مشاوره و حمایت هوایی از قوای ما پرداختند. حمایت هوایی و تبادل استخبارات به حفظ جان و اموال شهروندان و محدود کردن میزان خساره در شهرهای آزادسازی شده کمک کرد. آنها در مراکز قومندانی و در پولیگون‌های تعلیمی با دل و جان من حیث یک گروه با ما همکاری کردند. همه ما در ثمرات این همکاری شریک هستیم.

جنرال طالب شقاقی الکنانی

سرویس مبارزه با دهشت‌افگنی عراق



از دوستان ما در قومندانی مرکزی ایالات متحده بسیار تشکری می‌کنم که از من دعوت کردند تا این نسخه خاص از یونیپاث را معرفی کنم که به شکست داعش در عراق می‌پردازد. من از سال 2014 تا ختم سال 2016، در جریان جنگ‌های بسیار شدید در مکان‌هایی مثل موصل، انبار و منطقه بغداد، قومندانی قوای مشترک برای مبارزه با این تروریستان را به عهده داشتم.

در جریان این مرحله بحرانی، ما شبانه روز با قوای ائتلاف همکاری می‌کردیم تا اردو را به شکل مسلکی بازسازی کنیم و پلان‌هایی برای آزادسازی شهرها و مبارزه با گروه‌های نزدیک پایتخت تهیه کنیم. ما در مدتی کوتاه، مناطق اطراف بغداد را پاکسازی کردیم و آزادسازی صلاح‌الدین، رمادی و فلوجه را از آشوب دهشت‌افگنی شروع نمودیم.

ما نه تنها بالای نابودی توانایی‌های نظامی متمرکز شده‌ایم، بلکه بالای حفظ جان شهروندان و احترام به حقوق بشر نیز تمرکز کرده‌ایم. ما بعضی اوقات جان خودمان را برای حفظ ایمنی مردم ملکی به خطر می‌انداختیم. این کار پروسه آزادسازی را کند و پیچیده ساخت. خوشبختانه، توانستیم فلوجه و موصل را با کمترین تلفات جانی و تهدابی ممکن آزاد کنیم.

عراق از این جنگ سرنوشت‌ساز پیروز و قدرتمند بیرون آمده و پروگرام‌های دشمن برای نفاق میان ملت با به راه انداختن جنگ فرقوی میان قومیت‌های آن شکست داده است. رؤیای شوم آنها با برخورد به مانع اتحاد و همزیستی صلح‌آمیز که همیشه در این سرزمین وجود داشته است، نابود شد.

قهرمانان قوای امنیتی عراق و قبایل عرب سرسختانه جنگیدند تا این سرزمین را از دهشت‌افگنی آزاد کنند و جان خود را برای حفظ امنیت افراد بیگانه‌ای که در شهرها گرفتار شده بودند، فدا کردند. این مردان - که همه اشکال دهشت‌افگنی را رد کرده و بر این باورند که عراق با تمام تنوع آن پیروز خواهد بود - با عشق و افتخار مورد تقدیر قرار گرفتند. جهان به فداکاری و قهرمانی شما احترام می‌گذارد؛ شما باعث افتخار مسلک خود هستید و وظایف خود را با وفاداری انجام می‌دهید.

بعد از این پیروزی نظامی همه‌جانبه بر گروه‌های شورشی مسلح، ما با این معضل کلان مواجه هستیم که مطمئن شویم با نام‌هایی تازه دوباره ظاهر نشوند. میلیون‌ها شهروند شستشوی مغزی شده و از قتل عام، تخریب موثرهای هم‌گذاری شده و اعدام‌های دسته جمعی ترسیده‌اند. و بشمول اطفال و نوجوانان بسیاری هستند. ضرور است این بخش از جامعه را پرورش داد تا بتوان افراط‌گرایی را کاهش داد و از تشکیل گروه‌های پنهان جلوگیری کرد. در عین زمان باید کسانی را که در تظاهرات سیاسی، مساجد و در مکاتب باعث خشونت و افراط‌گرایی شدند، به جوابدهی وادار کنیم. این گفتمان منفی مستقیماً بالای مردم کوچه و سرک تأثیر می‌گذارد.

راه حل دهشت‌افگنی پیچیده و مشکل بوده و فقط به اردو محدود نمی‌شود. داعش از بقایای القاعده در عراق شروع شد که تحت تعقیب قوای امنیتی بوده یا در محاسبات به سر می‌بردند. آنها بهشت خود را در سوریه پیدا کردند، در آنجا کمپانی را در رسانه‌های اجتماعی و خطبه‌های نماز جمعه برای فریب دادن جوانان با مفهوم "خلافت" شکل دادند. ما بارها و بارها در مورد خطرات دهشت‌افگنی در



دفاع قهرمانانه از بیجی

مدافعان عراقی تقریباً یک سال در برابر
حملات داعش به یک تصفیه‌خانه نفت
ستراتژیک مقاومت کردند

نبرد

برای تصفیه‌خانه بیجی را نمی‌توان در یک مقاله خلاصه کرد. در داستان‌های قهرمانی، می‌توان شاهد افسانه‌های نظامی بود: شدت جنگ، حجم کلان دود ناشی از حریق مخازن سوخت که خورشید را تیره و تار کرده است، زمین که از شدت انفجار به لرزه درمی‌آید و داستان‌های شهادت که در دل‌های عساکر نقش می‌بندد. ما به مدت 11 ماه در تصفیه‌خانه بیجی زندگی کردیم و عزم وطن‌پرستی را در برابر حملات وحشی‌ترین گروپ‌های دهشت‌افکن نشان دادیم. این داستان من نیست؛ این داستان 325 قهرمان است که 40 حمله تمام عیار را دفع کردند و 175 بار با تروریستانی که تعدادشان دو چند تعداد عساکر ما بود و از انواع سلاح‌ها و صدها موتر بمب‌گذاری شده استفاده می‌کردند، مقابله نمودند. ما انسجام قوایمان را حفظ و حملات را دفع کردیم.

اگرچه داعش بسیاری از شهرهای اطراف ما را در کنترل داشت. در اواخر سال 2014، قوای ما موفق به ایجاد یک راه برای اعزام قوای کمکی و لجستیک شدند، اما این راه در طول چند هفته قطع شد. وقتی جنگ‌ها شدت گرفت، منابع ما قطع شد.

برای ثبت در تاریخ، می‌خواهم از تورن جنرال درستیزطالب شقاطی الکنانی، رئیس سرویس ضد دهشت‌افگنی و قومندان عملیات مشترک در آن زمان یاد کنیم و به نقش قابل توجه و فعال وی در مقاومت تصفیه‌خانه اشاره نمایم. در اواسط جولای 2014، برید جنرال علی القریشی با وی به تماس شد و این کار را به درخواست مستقیم تورن جنرال درستیز ضیف الطایی، قومندان قوای عراقی در بیجی انجام داد. او معضلات که من حیث قوای سرویس ضد دهشت‌افگنی و من حیث بخشی از حوزه مسئولیت قومندانی عملیات مشترک در تصفیه‌خانه بیجی با آنها مواجه بودیم و همچنین خطر قطع شدن خطوط لجستیکی تصفیه‌خانه را به وی توضیح داد. برید جنرال الکنانی به ما اطمینان داد که از تمامی قدرتش برای اعزام قوای کمکی استفاده می‌کند. بعد از برگزاری جلسات فشرده میان قومندانی قوای هوایی اردو و قومندانی قوای هوایی، دو روز بعد تماسی از جگرن عمار عباس شرحان داشتیم که به ما گفت رهبری تصمیم گرفته است سلاح‌ها و تجهیزات عصری و اعاشه‌های غذایی را ذریعه قوای هوایی اردو با حمایت یک تیم تخصصی از سرویس ضد تروریسم برایمان ارسال کند. هلیکوپترها با مقاومت شدید از طرف خطوط دفاعی داعش مواجه شدند، اما به لطف خدا توانستند این خطوط دفاعی را از بین ببرند و مسیر لجستیکی خطرناکی را باز کنند.

وقتی هلیکوپترها در 22 آگست 2014 در میان ابری از خاک باد و با حمایت هلیکوپترهای تهاجمی MI-28 در داخل تصفیه‌خانه فرود آمدند، خوشحالی ما

موقعیت ستراتیژیک شهر بیجی آن را به هدف گروپ‌های داعش تبدیل کرد - چون جاده‌های اصلی متصل‌کننده بغداد، موصل، صلاح الدین، کرکوک و دیاله از آن عبور می‌کنند. کنترل این محل به معنای قطع خطوط لجستیکی از بغداد است. مجتمع تصفیه‌خانه بیجی یکی از کلان‌ترین تصفیه‌خانه‌های شرق میانه است و بالای عواید و اقتصاد کشور تأثیر بسیاری می‌گذارد. داعش می‌خواست هر قسم که شده کنترل تصفیه‌خانه را به دلیل مخازن ذخیره‌سازی عظیم نفت خام و تیل‌های پروسش شده آن در اختیار بگیرد. پس از اینکه داعش توانست بالای شهر بیجی تسلط پیدا کند، حملات خود را بالای به دست گرفتن کنترل تصفیه‌خانه متمرکز کرد. داعش با کنترل کردن تصفیه‌خانه، یک پایگاه نظامی خودکفا را در اختیار می‌گرفت. قوای آزادی‌بخش عراق در رسیدن به شمال عراق دچار مشکل می‌شدند و هر قسم نبردی برای آزادسازی بیجی، با خرابی‌های فراوان همراه بود. به همین دلیل بود که تروریستان جان خود را به خطر می‌انداختند تا به تصفیه‌خانه حمله ببرند.

تصرف آن همچنین تأثیر زیادی بالای روحیه قوا داشت. داعش از اهمیت نمادین بیجی مطلع بود؛ اکثر سازمان‌های خبری در آن زمان در این مورد صحبت می‌کردند. اگرچه تروریستان، بیشتر از یک بار و با وجود انکار رسمی دولت، ادعا کردند که کنترل آن را به دست گرفته‌اند.

این جنگ‌ها در 10 جون 2014 شروع شد و تا 21 می 2015 ادامه یافت. در جریان این مدت، تصفیه‌خانه از همه طرف محاصره شده بود. ما در ابتدا شامل 35 عسکر از بخش ضد دهشت‌افگنی، 40 عسکر از فرقه 9، چند نفر از لوای پیاده 14، و یک گروپ از مبارزین قبایل بودیم. در کل، حدود 110 عسکر داشتیم. ما توانستیم در سال 2014 اولین حملات به تصفیه‌خانه را دفع کنیم.



”شما ای صفوی‌ها، مهلت شما تقریباً به خاتمه رسیده و هیچ کسی برای نجات شما نخواهد آمد. چی کسی برایتان آب و غذا خواهد آورد؟ مهمات شما به زودی تمام خواهد شد و ما شما را مثل گوسفند می‌کشیم، از اجسادتان فلم می‌گیریم و در اینترنت نشر می‌کنیم. شما هیچ چاره‌ای ندارید مگر قبل از اینکه دیر شود، خود را به مجاهدین دولت اسلامی تسلیم کنید.”

ما به سخنان وحشتناک آنها عادت داشتیم و سقوط هلیکوپترها و جنگ روانی نتوانست از اثربخشی مبارزه ما بکاهد یا عزم ما را برای مقاومت تضعیف کند. به دلیل تعداد کم ما و وسیع بودن منطقه‌ای که مجبور به دفاع از آن بودیم، هر کس به نوبت بهره‌داری می‌کرد. حتی قومندان نیز در یکی از برج‌ها بهره‌داری می‌کرد. من کارم را من حیث معین قومندان قوای مبارزه با تروریسم در تصفیه‌خانه شروع کردم و قومندان برید جنرال علی القریشی بود. من زمانی به قومندانی قوا رسیدم که برید جنرال علی قبل از اینکه رفت و آمد هلیکوپترها متوقف شود، زخمی شد و از میدان نبرد تخلیه گردید. ما شفاخانه صحرایی نداشتیم، به همین دلیل زخمی‌ها را با بندازهای ساده‌ای که هر یک از عساکر من حیث کمک‌های اولیه در اختیار داشت، تداوی می‌کردیم. وقتی عسکری فکر می‌کرد که می‌تواند سلاح به دست بگیرد، محل تجمع زخمی‌ها را ترک می‌نمود و به پست نگهبانی می‌رفت یا در گرماگرم نبرد با همان بندازهایش می‌جنگید. دلیلش این بود که قوای ما می‌دانستند که قوای بدیل نداریم. عساکر مجروح برای جنگیدن داوطلب می‌شدند حتی وقتی افسران‌شان به آنها دستور می‌دادند که استراحت کنند. البته در موارد بحرانی، اگر طیاره‌ای می‌آمد، آنها را با طیاره اردو می‌فرستادیم، اما بیشتر نمی‌توانستیم کسانی را که به شدت زخمی شده بودند نجات بدهیم، چون شرایط پروازی نامناسب، تحرک هلیکوپترهای MI-17 را محدود کرده بود.

غیرقابل وصف بود. این عملیات جسورانه باعث تقویت روحیه عساکر ما شد. ما از دیدن هم‌زمان خود از سرویس ضد تروریسم بسیار خوشحال شدیم و به همان اندازه مشتاق بررسی سلاح‌ها و تجهیزاتی بودیم که دریافت کرده بودیم، درست مثل اطفالی که هدیه روز عید را باز می‌کنند: اسلحه بم انداز MK-19، تفنگ دوربین دار برد بلند 8.6 میلی‌متری مجهز به صداخفه‌کن، کمره ی دید در شب و دید در روز، و انواع تجهیزات شخصی به اندازه زیاد. تیم عملیات خاص از بغداد استفاده از سلاح‌های جدید را به قوای ما تعلیم می‌داد و به بهره‌داری از منطقه می‌پرداخت تا مشاهدات خود را برای قومندان عملیات مشترک ارسال کند و قومندان عملیات مشترک سلام خود را به تک تک قوا ابلاغ کرده و علاقه شخصی خود را به مقاومت تصفیه‌خانه ابراز نموده بود. این مسئله برای ما مثل پیروزی محسوب می‌شد.

قوای کمکی به هلیکوپترهای قوای هوایی اردو محدود بود. آنها به علت آب و هوای نامناسب، توفان شن و آتش دشمن، در زمان‌هایی غیر قابل پیش‌بینی می‌آمدند، اما تجهیزات و عساکری را با خود می‌آوردند، و به این ترتیب تعداد قوای ما به 325 عسکر از تمام شاخه‌های قوای مسلح رسید. اگرچه هدف این بود که قوای کمکی بیشتری آورده شوند، اما خیلی زود امیدمان را از دست دادیم چون تروریستان هلیکوپترها را هدف قرار دادند و دو عدد از آنها را سقوط دادند و همین مسئله باعث شد قوای هوایی اردو اعزام قوای کمکی را متوقف کند.

دو هفته گذشت. هیچ هلیکوپتری از بغداد نرسید. آنها باعث قوت قلب ما بودند. کمبود اعاشه، تجهیزات و لوازم طبی و ناله‌های بلندتر از همیشه مجروحان، روان ما را آزار می‌داد. در سحرگاه یک روز، لاواسپیکرهای مساجد بیجی در نزدیکی تصفیه‌خانه، پیام‌های تهدیدی را برای درهم شکستن مقاومت ما پخش کردند.

درگیری‌های دیشب شدید بود و ما حمله شدید داعش

را دفع کردیم. در زمان سحر شروع به جستجوی اجساد شهیدان کردیم. در ختم هر جنگ، اجساد هم‌زمان خود را که در جریان مبارزه کشته می‌شوند جمع‌آوری کرده، بر آنها نماز می‌خوانیم و در محلی که برای شهدا در نظر گرفته شده است، دفن می‌کنیم. لحظات از دست دادن یک دوست یا برادر هم‌رزم در این روزهای دشوار در ذهن ما خواهد ماند و ما بارقه‌های دردناک شادی را با شناختن یکدیگر و دانستن نام اطفال یکدیگر با هم شریک می‌شویم. ما به یک فامیل تبدیل می‌شویم. ما اجساد شهدای خود را در داخل تصفیه‌خانه دفن می‌کنیم به این امید که پس از شکست دادن داعش بتوانیم اجسادشان را به بستگانشان تحویل دهیم. در عراق، هر فرقه یا قومی آداب و رسوم خاص خود و قبرستان مخصوص به خود را برای دفن مردگان خودشان دارند. اما در تصفیه‌خانه بیجی، شهیدان در یک قبرستان دفن می‌شوند و بیرق عراق در بالای آن در اهتزاز است. عساکر وابستگی قومی خود را کنار می‌گذارند و تنها من حیث عراقی می‌جنگند.

روحیه عساکر در داخل تصفیه‌خانه نقش مهمی در برگرداندن اعتماد به نفس و حفظ روحیه قوای مسلح عراق ایفا کرد. ما قوای محاصره شده بودیم که تعداد تروریستانی که ما را محاصره کرده بودند بسیار بیشتر از ما بود. تصفیه‌خانه 24 کیلومتر مربع مساحت داشت و هیچ راهی نبود که 325 عسکر در چنین فضایی کلان گزیده شوند. با وجود حملات مکرر و مذبوحانه داعش و با وجود کمبود غذا و آب قوای ما در کنار هم ماندند. رهبران و قومندانان در دیگر بخش‌های عملیاتی مثل کرکوک، دیاله، سامرا و انبار قهرمانی و فداکاری عساکر داخل تصفیه‌خانه بیجی را ستایش کردند و از عساکر خود خواستند که از این شیوه سرمشق بگیرند. در شروع جنگ، روحیه داعش بالا بود و توانایی‌های نظامی بسیاری داشت که از قدرت قوای ما در بخش‌های عملیاتی بیشتر بود. با این حال، نبرد بیجی ترازو را به نفع ما سنگین کرد و به فاد قوای مسلح ما در میدان جنگ تبدیل شد.

فاصله بین ما تا تروریستان بین 5 تا 500 متر بود. ما صدای صحبت کردن آنها را در سکوت شب می‌شنیدیم. داعش در جریان 11 ماه حملات زیادی را انجام داد. جنگ‌های شدیدی در گرفت و افسران و عساکر زیادی در جریان اقدامات وحشیانه کشته شدند. ما بهترین مردان خود را در جنگ‌های تصفیه‌خانه از دست دادیم، اما مصمم بودیم آنجا را به گروپ‌های دهشت‌افکن تسلیم نکنیم.

داعش نیز شایعاتی را در صفحات شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و فلم‌های ساختگی را نشر داد. آنها با حمایت بعضی از شبکه‌های متعصب، راپورهای دروغینی درباره سقوط تصفیه‌خانه نشر کردند. هدف آنها گسترش هرج و مرج و نشان دادن ترس در دل فامیل‌های عساکر بود تا از پسران خود بخواهند تصفیه‌خانه را ترک کنند.

یک شب یکی از اعضای داعش یکی از مردان ما، بریدمن و صام محمد خالد التکریتی را صدا زد و گفت:

ما تمام سعی خود را برای شکست محاصره با کمک قوای مسلح خودمان انجام دادیم. آب و مهمات مان تقریباً رو به اتمام بود و فکر می‌کردیم که به ختم کار نزدیک می‌شویم. وقتی تمام فیصله‌ها برای ارسال لجستیک به بن‌بست رسید، رهبری ما از قومندانان شرکایمان در قوای ائتلاف کمک گرفت و از آنها درخواست کرد تجهیزات و جیره را با استفاده از پاراشوت‌های مخصوصی که ذریعه طیاره C-130 از ارتفاع بالا به پایین انداخته می‌شدند، ارسال کنند. از دوستانمان در ائتلاف تشکری می‌کنیم که با پشتیبانی لجستیکی که به شدت به آن ضرورت داشتیم، این جنگ را حفظ کردند. ما از این دستاورد کلان بی‌نهایت خوشحال شدیم. قوای ائتلاف جدیدترین تکنالوژی را در این زمینه در اختیار دارند و این پاراشوت‌ها را در اختیار قوای هوایی عراق قرار دادند تا تجهیزات نظامی و طبی را برای ما بپندازند.

ما روزهای سخت و ناامیدکننده‌ای را گذرانیدیم، به خصوص وقتی تمام وسایل ارتباطی و لجستیکی قطع و روحیه عساکر تضعیف شده بود. این مسئله علاوه بر جنگ روانی بود که داعش هر روز علیه ما انجام می‌داد. غروب‌ها، صدای جنگ تبلیغاتی به راه می‌افتاد تا روحیه ما را تضعیف کند و اراده ما را شکست دهد. بعضی اوقات این صداها از مناره‌های مساجد می‌آمد، اما بیشتر از خاکریزهایی بود که ما را از هم جدا کرده بود:

روز قربانی شدن فرا رسیده است ای صفوی‌ها. سرنوشت شما درست مثل روز اسپایکر است. هیچ راه فراری از مرگ وجود ندارد. ما به شما این فرصت را دادیم تا تسلیم شوید، اما شما تصمیم گرفتید در زیر ضربات چاقوهای مردان دولت اسلامی بمیرید!

ما به یاد جنایت داعش در پایگاه اسپایکر افتادیم که چطور خیانت کرد و عساکر غیرمسلح را کشت. عزم مستحکم ما این بود که به مادران و فرزندان شهدای اسپایکر اعلام کنیم که خون پدران و فرزندان آنها بیهوده ریخته نشده است و همچنین پیام امیدی به دختران ایزدی و مسیحی ربوده شده ذریعه تروریستان بدهیم که پیروزی ما به منزله امید نجات برای آنها و برای همه عراقی‌هایی است که به دست دستگاه سرکوب داعش افتاده‌اند. جنایات داعش ما را به جنگیدن مصمم‌تر کرد تا تصفیه‌خانه را به دست این قاتلان نسپاریم و مهم نیست چی هزینه‌ای برایمان داشته باشد.

بعض شب‌ها، حقایق قتل عام اسپایکر که یک جنایت واقعی علیه بشریت بود را یادآوری کردیم. به این دلیل که اسپایکر بسیار به این تصفیه‌خانه نزدیک بود و تنها 35 کیلومتر با آن فاصله داشت، اکثر عساکر تصفیه‌خانه برادر یا پسر عمو یا دوستی در میان شهدای اسپایکر داشتند. بعد از اینکه داعش کنترل منطقه صلاح الدین را در دست گرفت، عساکر در کمپ اسپایکر محاصره شدند. مهمات آنها تمام شد و تروریستان به کمپ حمله کردند. عساکر چاره‌ای نداشتند جز اینکه تسلیم شوند. داعش جنایتی وحشتناک علیه بشریت مرتکب شد. عساکر غیرمسلح بودند و هیچ‌یک از قوانین بین‌المللی و فتاوی مذهبی اجازه کشتار زندانیان را نمی‌داد. داعش عساکر غیرمسلح را جمع کرد و در مقابل کمره‌ها آنها را تیرباران کرد. آنها بعضی را افراد به رودخانه دجله انداختند و بقیه را در یک گور دسته جمعی دفن کردند. در مجموع 1700 عسکر کشته شدند. داعش به کشتن آنها بسنده نکرد، بلکه اجساد شهدا را به اشکال وحشتناکی مثله کرد. آنها علاوه بر ارضای تمایلات سادیستی خود برای قتل و بی‌رحمی، می‌خواستند ترس به دل بقیه عساکر اندازند، اما این کار تنها عزم ما را برای جنگیدن تا آخرین نفس مصمم‌تر کرد. برای همین تا پای جان با این دشمن تروریست جنگیدیم تا از کسانی که در اسپایکر مرتکب جنایت شده بودند انتقام بگیریم.

امشب، شب سختی است. مدافعان ما در حالت اضطراب و هشیاری زندگی می‌کنند. داعش تمام موترها و تجهیزات نظامی خود را به صورت ستون‌هایی کلان جمع کرده و بعد از نیمه شب در منطقه 600 و آلبو جواری و زویوت، دور تصفیه‌خانه دور می‌زند تا ما را بترساند و ناآرامان کند. ما ستون‌های آنها را از پست‌های بهره‌داری می‌بینیم و تماس‌ها با قرارگاه قومندانی برقرار می‌شود. به خاطر چراغ موترها، این ستون‌های طولانی قابل مشاهده هستند. تروریستان کوشش می‌کنند با هر شیوه ای که شده قوای ما را ضعیف کنند و این یکی از تخنیک‌های مورد علاقه آنها است. اما ما هشیار و آماده‌ایم.

حفظ کنیم. بعضی اوقات که حملات را دفع می‌کردیم، از تجهیزات و اسلحه‌های به غنمیت گرفته شده از جنگجویان داعش که مرده بودند استفاده می‌کردیم و آنها را جمع‌آوری و بین عساکر توزیع می‌کردیم. هر مرمی به معنای امکان زنده ماندن بود و به‌طور اتفاقی فیر نمی‌کردیم. بعضی اوقات مجبور بودیم به فیرهای دشمن جواب ندهیم. در یکی از جنگ‌ها، دشمن جاده‌ها را مسدود و شروع به فشار وارد نمودن بر قوا در مناطق المزرعه و الملحه کرد تا پیشرفت قوا را متوقف نماید و ارتباطات بین اسپایکر و بیجی را قطع کند.

ما در آستانه اتمام کامل مهمات خود بودیم، برای همین از تورن جنرال درستیز ضیف خواستم پلان جدیدی تهیه کند تا فشار دشمن را در مناطق دیگر کاهش دهد. پلان ما این بود که مهمات‌مان را حفظ کنیم، به قوای‌مان استراحت بدهیم و دشمن را به منطقه‌ای بکشانیم که عساکر در آنجا جمع شده بودند. داعش از قبل تحرک قوای خود را در اطراف تصفیه‌خانه شروع کرده بود. ما حرکات آنها را با استفاده از کمره‌های مادون قرمز، دید در شب، دستگاه‌های نظارت و طیاره‌های کشفی متعلق به قوای ائتلاف تماشا می‌کردیم. بعد از شناسایی مرکز تحرک داعش در پایگاه سنیه که می‌خواستند حمله خود را از آنجا شروع کنند، از قومندانی خواستیم تا آنجا را بمباران کند. ما تجمع قوای داعش را با یک حمله هوایی که ذریعه قوای هوایی عراق و قوای ائتلاف انجام شد، از بین بردیم. ما با انجام این کار مهمات خود را حفظ کردیم. بیشتر از 150 تروریست کشته شدند.

ما جریان جنگ را در جاهای دیگر و پیروزی قوای مسلح خود را در منطقه العالم در شمال تکریت دنبال می‌کردیم. قلب‌های ما از این پیشروی سرشار از شادی شد و مطمئن بودیم که تکریت آزاد خواهد شد. ما متوجه شدیم که مقاومت ما در تصفیه‌خانه، سنگ بنای شکست داعش خواهد بود.

امروز 30 مارچ 2015 است. اطراف تصفیه‌خانه کاملاً ساکت است. ما دور رادیو جمع شدیم و به اطلاعیه آزادسازی تکریت و شادی مردم عراق به خاطر این دستاورد کلان گوش دادیم. این شروع ختم کار داعش در عراق است. تکریت نماد کلانی برای تروریستان است، بنابراین آزادسازی آن ضربه سهمگینی برای آنهاست. ما امشب، تحرکات غیرعادی دشمن را در اطراف تصفیه‌خانه مشاهده کردیم. ما متوجه هستیم که آنها سعی خواهند کرد با از سر گرفتن حمله به تصفیه‌خانه بیجی روحیه جنگجویان خود را بالا ببرند و روحیه قوای عراقی را درهم بشکنند، و هزینه‌اش برایشان مهم نیست.

در 10 آپریل 2015 هزار و چهارصد جنگجوی داعش حمله به تصفیه‌خانه را شروع کردند. قوای مهاجم حداقل سه برابر بیشتر از قوای ما بود. این نبرد 11 روز طول کشید. جنگ بسیار شدید بود و روز و شب ادامه داشت. دگروال خالد الجنابی در 12 آپریل در جریان مبارزه شجاعانه در کنار عساکر دیگر شهید شد. معین قومندان، برید جنرال عبدالکریم شیر، در 14 آپریل شهید شد. جنگ متوقف نشد بلکه شدت گرفت. یک روز بعد، قومندان قوا، تورن جنرال ضیف الطایی شهید شد. وقتی جنگ برای چند لحظه متوقف شد، داعش از لاداسپیگرهای خود برای فراخواندن عساکر ما به تسلیم شدن استفاده کرد:

وصام، تو اهل تکریت هستی، و ما مردم شما را خوب می‌شناسیم. چرا با برادران اهل سنت خود می‌جنگی و به رافضی‌ها کمک می‌کنی؟ دولت اسلامی آمده است تا سنی‌ها را از دست حکومت سرکوبگر رافضی‌ها نجات دهد. تسلیم شو تا در امان باشی. هر چقدر می‌توانی از کسانی که به آنها اعتماد نداری و ترا می‌کشند، بکش و به برادران مجاهد خود ملحق شو.

چند لحظه در سکوت گذشت، بعد صدای بریدمن وصام از پشت خاکریز شنیده شد که جواب داد او به اینکه عراقی است افتخار می‌کند و تا پای جان در کنار برادران هم‌رزم خود می‌جنگد. او گفت که داعش مردم سنی، شیعه و کرد را می‌کشد بدون اینکه فرقی بین آنها قائل شود و اینکه داعش یک گروه دهشت‌افکن است که از عراقی‌ها شکست خواهد خورد.

بریدمن وصام در شب حمله در 24 آگست 2014 کشته شد. او جوانی خوش قیافه و افسری شجاع بود. عساکر واقعاً او را دوست داشتند و او به خاطر لیاقت خود اعتماد رهبری را به دست آورد. عساکر در آن شب شاهد ایستادگی و شجاعت وی بودند، چون خودش را قربانی کرد و اجازه نداد داعش به موقعیت دفاعی‌اش نفوذ کند. سحرگاه بر پیکر مطهرش نماز خواندیم و او را در مزارش گذاشتیم. ما تصویر پدر و ساعتش را نگه داشتیم تا در خاتمه جنگ آنها را به فامیلش تحویل بدهیم.

ما کارهای قهرمانانه وصام و عشق او به فامیل و شهرش تکریت را برای فامیلش تعریف می‌کردیم.

روحیه عساکر، عزم مرا برای ادامه جنگ تقویت کرد. من یک سیستم مخابره داشتم که عساکر با استفاده از آن با فامیل‌هایشان به تماس می‌شدند. بعضی اوقات که منتظر تماس از قرارگاه بودم، صدای عسکری را می‌شنیدم که به فامیلش می‌گفت موقعیت ما تثبیت شده و هیچ حمله‌ای در کار نیست یا هیچ تلفاتی رخ نداده است، با اینکه شب قبلش در برابر حمله‌ای مقاومت کرده بودیم. ما شدیداً دچار کمبود اعاشه بودیم؛ چون آوردن تجهیزات را به غذا و آب اولویت می‌دادیم، اما به فامیل‌هایمان می‌گفتیم که هر چیزی که ضرورت داشته باشیم را در اختیار داریم.

ما در جریان این 11 ماه، تنها از تجهیزاتی که داشتیم استفاده می‌کردیم. یعنی انبار مهمات کلانی نداشتیم که بتوانیم به آن دسترسی داشته و پروسه جنگ را



تصویر ستلایت از تصفیه‌خانه بیجی در جون 2014 بعد از اینکه داعش در جریان جنگ یک مخزن نفت را به آتش کشید

حمله به نقاط دخیلی اصلی استفاده کردند. آنها از طیاره‌های بدون سرنشین برای تعیین موقعیت ما، از گاز کلر و آتش سنگین هاوان مستفید شدند. آنها در جریان حمله، مخازن تیل را شدیداً بمباران کردند، به مخازن حمله کرده و آنها را به آتش می‌کشیدند تا قدرت دید طیاره‌ها را کور کرده و عساکر ما را گیج کنند، چون مخازن در نزدیکی ما بود و بخشی از تصفیه‌خانه از بقیه قوا جدا شده بود. تصفیه‌خانه حاوی مواد قابل اشتعال و گازهای سمی بود. و به هیچ عنوان موقعیت دفاعی یا میدان نبرد خوبی نبود. بعضی اوقات آزاد کردن تنها یک متر به دلیل ماهیت زمین، استحکامات دشمن و استفاده‌اش از وسایل انفجاری دست‌ساز به ساعتها جنگ شدید ضرورت داشت. حتی یک مرمی می‌توانست باعث شود یک کیلومتر مربع به آتش کشیده شود. آنها از چنین روش‌هایی استفاده می‌کردند تا سعی کنند کنترل تصفیه‌خانه را به دست بگیرند، اما باز هم در برابر مدافعان قهرمان ما شکست خوردند.

قوای مسلح شروع به تنگ کردن حلقه محاصره علیه داعش در شهرهای نزدیک ناحیه بیجی کردند. این کار از فشار وارد شده به ما کم کرد، چون جنگجویان داعش برای مقابله با قوای ما به نقاط دیگر ناحیه اعزام شدند. روزها گذشت و حوادث شتاب زیادی گرفت. اخبار پیروزی‌های شجاعانه اردو ما به سرعت نشر شد. در 21 می 2015، موترهای هامر مملو از قوای مبارزه با تروریسم از سمت البوتمه و المزرعه رسیدند. ما از خوشحالی آواز خواندیم و یکدیگر را در آغوش گرفتیم. تنها عساکر پیروز شادمانی چنین در آغوش گرفتن‌هایی را درک می‌کنند. این اولین شب در جریان این 11 ماه بود که راحت خوابیدم، بدون اینکه دستم روی قنداق اسلحهام باشد.

تیم رسانه جنگ اخبار آزادی بیجی را به گوش مردم عراق و جهان رساند. فوق‌العاده خوشحال بودم که می‌توانم نزد فرزندانم برگردم و سرم را بالا بگیرم و به پیروزی تقریباً معجزه‌آسایی که به دست آورده بودیم افتخار کنم. نمی‌دانم چرا احساس کردم باید به سراغ قبر شهیدان بروم و به خاطر فداکاری‌هایشان که منجر به پیروزی ما شد، به آنها ادای احترام کنم. وقتی متوجه شدم بعضی از عساکر زودتر از من به آنجا رفته‌اند، تعجب کردم. احساس کردم که شهیدان ما از بیرق عراق که در بالای سرشان افراشته بود به ما لبخند می‌زدند. ♦

بیشتر رهبران شما کشته شده‌اند و همه شما کشته خواهید شد. ما بهترین جنگجویان دولت اسلامی را با خود آورده‌ایم، و این آخرین فرصت شما برای تسلیم شدن و زمین گذاشتن سلاح‌هایتان است. آیا جسد تورن جنرال ضیف و برید جنرال کریم را ندید؟ چطور می‌خواهید بدون قومندان بجنگید؟ حکومت در بغداد شما را در اینجا رها کرده است تا بمیرید.

اما ما بیشتر از همیشه مصمم بودیم به مبارزه ادامه بدهیم؛ زیرا نزد یکدیگر قسم خورده بودیم که شکست نخوریم و امید عراق به ما بود. بعد از اینکه داعش از تصرف تصفیه‌خانه ناامید شد، بر ایجاد حفرة در دفاع ما متمرکز شد و سعی کرد جسد رهبران شهید ما را به سرعت ببرد. اجساد تورن جنرال ضیف، برید جنرال کریم و دگروال خالد - که در زمان جنگیدن در نزدیکی برج‌های دفاعی به شهادت رسیده بودند و ما برای مقابله با اولین حمله از این برج‌ها عقب‌نشینی کرده بودیم - بین ما و آنها قرار داشت.

پس از مرگ تورن جنرال ضیف، من مسئولیت رهبری قوا را برعهده گرفتم چون ارشدترین افسر بودم. نیمه شب، با چند تن از عساکر در قرارگاه بودم تا پلانی برای پر کردن حفرة‌ای که داعش در یک نقطه ایجاد کرده بود، تهیه کنم. تماسی را با مخابره نظامی دریافت کردم و شخصی به من گفت که قومندان قوای مهاجم داعش است که می‌خواهد به تصفیه‌خانه حمله کند. با توجه به شیوه حرف زدنش، به نظر می‌رسید عرب باشد. او به من گفت که ما هیچ امیدی برای زنده ماندن نداریم و شروع به تهدید کرد. او گفت که با صد تیلر بمب‌گذاری شده حمله خواهد کرد و تصفیه‌خانه و هر کسی که در آن باشد را نابود خواهد کرد. ما در سکوت به حرفش گوش دادیم و بعد از اینکه تهدیداتش تمام شد، گفت که اگر تصفیه‌خانه و عساکر را تسلیم کنم قول شرف می‌دهد که اجازه بدهد بروم. من جواب دادم: امکان ندارد که من به کشور و عساکرم خیانت کنم. تصفیه‌خانه در برابر شما مقاومت خواهد کرد و گور شما و گور هر کسی خواهد شد که به آن نزدیک شود. ما انتقام شهیدان اسپایکر را از شما خواهیم گرفت و دختران عراقی که گروپ‌های شما به آنها تجاوز کرده‌اند را محترم خواهیم داشت. سپس تماس به خاتمه رسید.

داعش چند بار سعی کرد به پیکر تورن جنرال ضیف دست پیدا کند، اما ما هوشیار بودیم و مساعی‌شان را ناکام گذاشتیم. هدفشان این بود که بدن‌ها را مثله کنند و آنها را در انترنت من حیث مدرک فتح تصفیه‌خانه به نمایش بگذارند. قطعاً این کار روحیه داعش را بعد از شکست در تکریت تقویت می‌کرد. اما به لطف خدا و با وجود حمله شدید و ناامیدی تروریستان، نتوانستند به اهدافشان دست پیدا کنند. من پلانی را برای عقب راندن داعش به پشت خط دفاعی تهیه کردم که به زمین بدون قوا تبدیل شد، و پیکرهای شهیدان را حفظ کردیم. من مطمئن بودم که این عملیات روحیه آنها را درهم می‌شکند و باعث پیروزی ما می‌شود.

صبح روز 22 آپریل برای ما بسیار غم‌انگیز بود، چون مراسم دفن تورن جنرال ضیف و برید جنرال کریم را انجام دادیم. کلمات و خاطراتی که ما را به آنها پیوند می‌دهد در ذهن ما حکاکی شده است. سکوتی مرگبار بر این مراسم حکمفرما بود و اشک‌ها بی‌اختیار فرو می‌ریختند. از دست دادن این رهبران تأثیر بسیاری بالای روحیه عساکر داشت.

داعش از تمام سلاح‌ها و مهارت‌هایی که در اختیار داشت، حتی از تانک‌ها و موترهای زرهی خود در جنگ‌های تصفیه‌خانه مستفید شد. آنها بارها از موترهای بمب‌گذاری شده برای نابود کردن خطوط دفاعی و

حفظ امنیت بغداد

از بین بردن حجره‌های دهشت‌افگنی در پایتخت عراق
از کارهای مهم پس از شکست داعش است

کارکنان یونیپاث



عبدالجلیل الربیعی، قومندان
عملیات بغداد

گروپ‌های دهشت‌افکن با هدف بی‌ثبات کردن بغداد و ایجاد موج رسانه‌ای درباره این موضوع که دولت عراق توانایی حفظ امنیت کشور را ندارد، هدف قرار دادن مردم ملکی بغداد را در دستور کار قرار داده‌اند. گروپ‌های دهشت‌افکن در اواسط سال 2009 بمب‌گذاری تیلرها در بغداد را شدت بخشیدند ولی همبستگی و شجاعت قوای امنیتی نقشه‌های تروریستان را خنثی کرد. بمب‌گذاری خونین در کراده در سال 2016، که با اعلام آزادی فلوجه از دست داعش همزمان بود، نقطه عطفی در مفکوه رهبری امنیتی محسوب می‌شود. قومندان‌ها با تقویت تمرکز خود بالای محافظت از پایتخت و پاکسازی این خون‌خواران از منطقه بغداد، وضعیت امنیتی پایتخت را بهتر کردند. یونیپاث با دگرچزال عبدالجلیل الربیعی، قومندان عملیات بغداد، مصاحبه کرده است. وی به موفقیت‌های به دست آمده در جنگ با تروریستان و ستراتیژی تقویت امنیت پایتخت اشاره کرده است.

یونیپاث: نقش عملیات بغداد در آزادسازی شهرها از چنگال

داعش چیست؟

دگرچزال الربیعی: عملیات بغداد نقشی چشمگیر و تاریخی در حفظ و کنترل مناطق کمربندی بغداد (شمال، غرب و جنوب غربی) و از بین بردن عناصری داشت که در حال احضار عمومی تروریستان برای ورود به پایتخت بودند. دشمن این بخش از شهر را بیش از یک سال در تصرف خود داشت و ما مانع دستیابی آنها به موفقیت‌های بیشتر شدیم. و سپس رهبران عملیات نظامی گسترده خود را شروع کردند. ما از بخش خود به سمت منطقه عملیاتی انبار حمله کردیم و نقشی کلیدی در آزادسازی شهرهای فلوجه، کارما و سقلاویه و دیگر مناطق مرتبط با شهرهای مذکور مثل ابو شغل، آزاریک و قریه‌جات مختلف داشتیم.

VBIED، بمب‌گذاری انتحاری و اجساد روی زمین، روزهای خونباری برای پایتخت رقم می‌زد، جلب می‌کنم. در سال 2010 نیز قوای دولت اسلامی عراق تیلرها و کانتینرهای حامل مواد منفجره را برای تخریب تعمیرهای دولتی در قلب بغداد راهی شرک‌ها می‌کردند. بیشتر این بمب‌ها در حاشیه پایتخت تولید می‌شد. ولی به مدت بیش از دو سال به دلیل از بین رفتن شبکه‌های بمب‌سازی در بغداد و حومه، اثری از فابریکه‌های VBIED در بغداد و اطراف آن دیده نشد. همه بمب‌های موثر -تعدادی محدود- که در جریان دو سال گذشته در پایتخت منفجر شده است، در خارج از حوزه مسئولیت ما و در شهرهایی مثل انبار، موصل و دیاله ساخته شده بود. این وضعیت تاثیر مثبت تلاش‌های عملیات بغداد در پاکسازی پایتخت از فابریکه‌های بمب‌سازی و دستگیری و کشتن اعظمی تروریستان را نشان می‌دهد.

یونیپاث: تروریستان برای رساندن مواد منفجره به بغداد از چه مناطقی استفاده می‌کنند و شما چطور به این مشکل رسیدگی می‌کنید؟

دگرچزال الربیعی: همان‌طور که ذکر کردم، داعش چندی قبل کوشش کرد تا تعدادی بمب موثر از انبار وارد بغداد و مناطق پیش-گفته کند، ولی عملیات استخباراتی بعضی از این موثرها را پیش از ورود به AOR ما، به خصوص در انبار، کشف کرد و این نقشه خنثی شد. در گذشته، داعش کوشیده بود تا فابریکه‌هایی را در مکان‌هایی پنهان در مناطق زراعی/قریه خارج از پایتخت و دور از دید مسئولان

یونیپاث: دستاوردهای خود در زمینه متلاشی کردن شبکه‌های تولید بمب‌های دست-ساز ماین چسپکی (VBIED) را شرح دهید.

دگرچزال الربیعی: حوزه مسئولیت (AOR) ما یکی از فعال‌ترین بخشها محسوب می‌شود چون تروریستان قصد ضربه زدن به پایتخت را دارند. با وجود سفارتخانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی در بغداد، حمله به این شهر پوشش رسانه‌ای وسیعی پیدا می‌کند. برای ارائه تصویری شفاف از دستاوردهای عملیات بغداد به خوانندگان، توجه شما را به خشونت فرقوی در سال 2006 که در آن

ایجاد کند. ولی ما توانستیم به این مناطق حمله کنیم و چندین انبار سلاح را از بین ببریم. جزو تاهای ما بعد از بستن نقاط ورودی منطقه و جستجوی گسترده برای یافتن گداهای مخفی سلاح، کارگاههای VBEID و تروریستانی تحت تعقیب، اقدامات تفتیش گستردهای را در اطراف پایتخت و «بغداد بزرگ» آغاز کرده اند. این اقدامات پیش-دستانه به تقویت امنیت و تخریب پناهگاههای گروههای تروریستی کمک کرده است. در ضمن، ما مداوم با باشندگان AOR در ارتباط هستیم. ما با شناسایی ضروریات آنها و ایجاد پل اعتماد، از حمایت آنها مستفید شده و آنها را به همکاران خود تبدیل کرده ایم.

یونپات: نقش همکاران ائتلاف عراق در تعقیب شبکههای دهشت افگنی در پایتخت چیست؟

دگر جنرال الربیعی: من نقش همکاران ائتلاف در حمایت از جزو تاهای مسئول مبارزه با این گروهها را مهم می دانم. نقش ائتلاف در کمک رسانی به ما از نظر تامین معلومات و اجرای حملات هوایی دقیق در منطقه شمال بغداد حیاتی و تاثیرگذار است. ما به تبادل و هماهنگ سازی معلومات مربوط به رهبران اصلی تروریستان که در محدوده بغداد فعال هستند، نیز می پردازیم. در ضمن، قوای ائتلاف نقش مهمی در تعلیم جزو تاهای ما و ایجاد ظرفیت دارند. جلسات ما در سطح مدیریت و سطح بخشی هر هفته برگزار می شود. عملیات بغداد از حمایت گروه مشاوران که دوشادوش عساکر ما کار می کنند، برخوردار است.

یونپات: مساله امنیت سرحدی در پیشگیری از اقدامات تروریستان در پایتخت چقدر مهم است؟

دگر جنرال الربیعی: این مساله در خاتمه دادن به دهشت افگنی و محدود کردن وسعت آن در پایتخت و دیگر شهرها بسیار مهم و تاثیرگذار است. این نشان می دهد که همه حملاتی که پایتخت را هدف قرار می گیرند، صرف نظر از این که موفق شوند یا با کار استخباراتی خنثی شوند، به خارج از حوزه مسئولیت ما، به خصوص ولایت های دارای مرکز مشترک با سوریه، مثل سوریه و انبار، مربوط می شود. از سال 2003 به بعد، گروه های دهشت افگنی از شکاف های سرحدی وارد عراق شده اند. البته، پس از آشفته شدن وضعیت امنیتی در سوریه، که مستقیماً بالای روی وضعیت امنیت ساحات سرحدی عراق، تاثیر می گذارد، موصل، انبار و نقاط دیگر مورد حمله قرار گرفتند. از این رو، امنیت سرحدی، اساس ثبات عراق است. ما با هدف تبادل معلومات و تعقیب تروریستان و مرتکبان جرایم سازمان یافته در سرحد عراق-سوریه با برادران خود در بخش سرحدات و عملیات الجزیره، البادیه و انبار همکاری می کنیم. ما استفاده از شیوه های پیشرفته کنترل سرحد مثل طیاره های کشفی و حسگرها را شروع کرده ایم. ما زمینه همکاری بین قوای هوایی، جناح هوایی اردو و قوای ائتلاف را برای تقویت ماموریت های کشفی شبانه روزی و گروه های دهشت افکن هدف در نزدیکی سرحد و در مناطق صحرایی دوردست فراهم می کنیم.

یونپات: از رسانه های اجتماعی چطور برای ایجاد ارتباط با مردم و دریافت اعلان از فعالیت های دهشت افگنی کمک می گیرید؟

دگر جنرال الربیعی: ما در فیسبوک یک صفحه رسمی با حدود 195,000 فالوور داریم. این صفحه را «اداره رسانه ها و ارشاد اخلاقی» مدیریت می کند. ما بعضی

اخبار امنیتی مثل دستگیری تروریستان یا مقابله با حملات دهشت افگنی را در این صفحه نشر می کنیم. در ضمن، ما زمان حملات کنترل شده را به شهروندان اعلام می کنیم تا صدای انفجار باعث هراس آنها نشود. منظور من، انفجار کنترل شده مهمات و بمب های موثر است. این نوع ارتباط ما را به شهروندان نزدیک می کند و آنها را تشویق می کند تا فعالیت های مشکوک منطقه خود را به ما راپور بدهند. بعضی اوقات آنها ما را در صفحات ویب از موارد فساد یا خشونت در منطقه خود مطلع می کنند و بیشتر برای ارائه معلومات دقیق درباره تحرکات تروریستان مستقیماً با کارمندان مدیریت صفحه مکاتبه می کنند. ما از همه سامان های موجود برای دریافت اخبار مردمی استفاده می کنیم چون بر این باوریم که این اقدام بخشی اساسی از سیستم امنیت است. بنابراین، ما خواستار جلب اعتماد آنها هستیم و از آنها می خواهیم که با ارائه اطلاعات ما را در زمینه بررسی، تحلیل و اقدام، یاری کنند.

یونپات: مدیران چطور می توانند از تجربه شما در زمینه خنثی کردن نقشه های دهشت افگنی در اطراف بغداد بهره بگیرند؟

دگر جنرال الربیعی: رویکرد مدیریتی ما هماهنگی و همکاری با همتایانمان در قومندانی عملیاتی مجاور است. رهنمودها و شیوه های امنیتی ما امکان اجرای عملیات پیش-دستانه و موثر بر بنیاد معلومات دقیق را فراهم می کند. مثلاً، در اوایل ماه جون 2018، ما یک جلسه را برای هماهنگ کردن همه مدیران عملیاتی همسایه در بخش تبادل تجربیات و معلومات امنیتی برگزار کردیم.

یونپات: برای ایجاد ظرفیت در عساکر عراقی و مبارزه با دهشت افگنی چی مانورها و تعالیمی ضرور است؟

دگر جنرال الربیعی: قوای مسلح ما و همه ادارات آنها در جریان آزادسازی شهرها و استفاده از معلومات و کار اپراتیفی در تعقیب سلول ها و دستگیری تروریستانی قاتل، تجربه ارزشمندی در زمینه مبارزه و مقابله با تروریسم، هم در میدان محاربه و هم در مقابله مستقیم با داعش، کسب کرده اند. ما به ضرورت مطلق ترکیب پروگرام تعلیمی با تجربه اپراتیفی باور داریم. ما برای ارائه تعلیم در سطح لوا مشغول همکاری با قوای ائتلاف هستیم.

یونپات: در زمینه مقابله با شبکه های دهشت افگنی، تبادل معلومات امنیتی با کشورهای دوست چقدر مهم است؟

دگر جنرال الربیعی: ما با معضل امنیتی بزرگی با نام شبکه های دهشت افگنی مواجه هستیم که امنیت همه کشورهای دنیا را تهدید می کند. آنها به سرعت و مخفیانه جابجا می شوند. بنابراین، همکاری استخباراتی و تبادل معلوماتی برای خنثی کردن پلان های آنها ضروری است. شکست دادن گروه های تروریستی کار فقط یک کشور نیست چون تروریسم به توسعه ایدئالوجی های افراطی و شبکه ای پیچیده از منابع مالی و تدارکاتی در سراسر دنیا متکی است و به همین دلیل شکست دادن آنها به کار گروهی ضرورت دارد. همان طور که در ابتدا ذکر کردم، بیشتر وسایل VBIED از مناطق تحت تصرف تروریستان در سوریه وارد می شود. بنابراین، برای جلوگیری از اقدامات تروریستی باید فعالیت های استخباراتی و کشفی هوایی راه های مورد استفاده شبکه های دهشت افگنی را تقویت کنیم. ♦

مقاومت شجاعانه



ام قصی در مارچ 2018 جایزه
سالانه بین‌المللی زنان شجاع
را در تعمیر وزارت خارجه
ایالات متحده دریافت کرد.
تصاویر گتی

پیرزن عراقی چطور جان عساکر را نجات داد و الهام بخش ملت شد

کارکنان یونیپاث

در

در دل مردم شهر رخنه کرده بود. در آن زمان من و فرزندانم تصمیم گرفتیم تا عساکر را نجات دهیم و به آنها در عبور از رود کمک کنیم.

ام قصی شجاعت بی‌نظیر مردم منطقه العلم را ستایش کرد. این مردم پس از سقوط شهرهای اطراف منطقه در برابر داعش مقاومت کردند و عساکر محاصره شده را برای عبور از رودخانه کمک کردند. حدود 400 عسکر، از جمله دانشجویان آکادمی قوای هوایی که از کمپ اسپایکر گریخته بودند، نجات یافتند.

ام قصی اظهار کرد: «مردم العلم به عساکر و افراد ملکی برای عبور از رود فرات کمک کردند. دیگر جوانان به سوی قوای داعش شلیک کردند تا مانع نزدیک شدن آنها به نقطه عبور شوند. پسران من شجاعانه در کنار دیگر پسران العلم جنگیدند و من نظامیان را در خانه‌ام استقرار دادم. فقط دختران و نواسه‌هایم در کنار من بودند. با وجود این که غذای چندانی برای خوردن نداشتیم، من قرص نان خود را با آنها تقسیم می‌کردم. خالد، پسر من، عساکر را از محل گذر از رودخانه به خانه آورد و آنها همراه ما ماندند. ما آنها را به کرکوک بردیم و از آنجا روانه خانه‌های خود در موصل، دیاله، کرکوک، بغداد و جنوب کردیم.»

ام قصی به یاد دارد که بعضی عساکر در خانه او مانده بودند ولی نتوانستند به سلامت به خانه‌های خود برسند.

«سه جوان بسیار مودب به خانه ما آمدند و یک روز در آنجا ماندند. آنها بخاطر پذیرایی از ما تشکر کردند ولی ماندن بیشتر را با وجود اصرار ما به ناامن بودن راه‌ها نپذیرفتند. بعداً فهمیدم که آنها هیچ وقت به خانه‌های خود نرسیدند. افسوس می‌خورم که چرا آنها را مجبور به ماندن نکردم.»

مردم العلم عساکری را که از ساحل گذشته بودند، نجات دادند ولی کمی بعد شرایط وخیم شد و تروریستان راه‌ها را بستند. در آن زمان ام قصی پیامی درباره ضروری بودن کمک‌رسانی در مناطق اطراف دریافت کرد.

ام قصی می‌گوید: «ابوحامد، یکی از پسران جترال ما و از شخصیت‌های محبوب ولسوالی الحجاج -در فاصله حدود 40 کیلومتری جنوب العلم- به کمک ما آمد. ابوحامد گفت که داعش منطقه را تصرف کرده است و او شش عسکر را که پنهان شده بودند، پیدا کرده است. من برادرزاده خود را که موتر داشت، صدا کردم و از دختر و پسر من، خالد، خواستم که بروند و عساکر را بیاورند. من دخترم را با آنها

میان قبایل عرب رسم است که به افرادی که برای قبیله افتخارآفرینی می‌کنند، نخوه، یا عنوان، اعطا می‌کنند. نخوه قبیله الجبور، «اخو هادله» است. ولی شاید، بعد از شجاعتی که عالیه خلف صالح الجبوری، معروف به «ام قصی» از خود نشان داده است، نخوه جدید «اخو عالیه» باشد. «ام قصی» اکنون نام معروفی است که به دلیل نجات دادن جان بیش از 50 عسکر عراقی سرگردان در مناطق تحت تسلط جانیان داعشی، در دل مردم عراق جای گرفته است. او زنی با اعصاب آهنین است که در زمان افتادن عراق به آستانه جنگ و آشوبی که منطقه را فرا گرفته بود، خود را به فرقه‌گرایی آلوده نکرد. تروریستان خون خوار مردم بیگناه را بدون هیچ دلیلی می‌کشتند، ولی او با شجاعت بی‌نظیر خود از عساکری که آنها را مهمان خود می‌دانست، محافظت کرد. شجاعت او زمینه‌ساز بازگشت حس وحدت ملی شد.

منطقه العلم در قسمت غربی رود فرات قرار دارد. رود فرات بین العلم و مناطق تکريت و بیجی جریان دارد. این مناطق شاهد نبردهای شدیدی، از جمله کلان‌ترین قتل عام در تاریخ عراق به دست داعش در کمپ اسپایکر، در فاصله حدود 16 کیلومتری العلم، بودند. این کمپ بشمول آکادمی قوای هوایی عراق است. بیشتر قربانیان این قتل عام دانشجویان، و نه عساکر، بودند. این قتل عام همه مردم عراق را به شدت ناراحت کرد. تروریستان با انتشار اخبار این کشتار در رسانه‌های همگانی شدت دهشت افکنی خود را نشان دادند. ام قصی در یک دوره چند-هفته‌ای عساکری را که جان سالم به در برده بودند، نجات داد. آنها در قسمت رود پنهان شده بودند و تروریستان داعش مثل کفتاری که در جستجوی طعمه باشد، به دنبال آنها بودند. تصمیم‌گیری برای نجات دادن آنها برای ام قصی ساده نبود. او می‌دانست که جان خود و فرزندان به خطر خواهد افتاد، ولی خود را مدیون مادرانی می‌دانست که در انتظار جوانان خود هستند.

ام قصی در مصاحبه با در مصاحبه با یونیپاث اظهار کرد: «اجساد شهدا بر روی رود شناور بودند و جسد شوهر و پسر من در میان گروپی که به تازگی به دست داعش کشته شده بودند، را دیدم من به اخبار مربوط به اسپایکر، شرقا و بیجی گوش می‌کردم کشتار بی‌رحمانه جوانان مان دل من را شکست. عکس‌های این کشتار نشر می‌شد و در برابر دیدگان مادران داغدار قرار می‌گرفت. ترس و وحشت

فرستادم تا قوای داعش فریب بخورند و فکر کنند که این یک سفر فامیلی است. به یاد دارم که خالد با ترس به من نگاهی انداخت و گفت: 'مادر، چطور از اینجا بیرون بروم در حالی که داعش قریه ما را محاصره کرده است؟ چطور جان خواهرم را که هنوز 20 ساله نشده است، به خطر بیندازم؟' ولی اصرار کردم که خواهرش را همراه ببرد و به او گفتم که همه این عساکر مادرانی دارند که با چشمان گریان روز و شب برای سلامتی فرزندان خود دعا می‌کنند. در زمان رسیدن آنها به منطقه، قوای داعش در آن نزدیکی بوده‌اند و پسر من به اجبار خواهرش را ترک کرده بود و با شنا کردن خود را به عساکر رسانده بود تا آنها را با قایق به ساحل برساند. پسر ابوحامد در حین گذشتن از رودخانه شهید شده بود و جریان آب داشت عساکر را به سمت قوای داعش می‌برد. عساکر با التماس از خالد می‌خواستند که به آنها کمک کند. خالد بین نجات دادن آنها، ماندن با ابوحامد و مراقبت از خواهرش در آن سوی رودخانه که قوای داعش در حال نزدیک شدن به او بودند، گرفتار مانده بود. ابوحامد وارد عمل شده بود و به خالد گفته بود که 'پسرم برای نجات دادن این پسران جنوبی شهید شده است و ما باید کار او را ختم کنید.' ما نباید شجاعت ابوحامد را فراموش کنیم. خالد و خواهرش به لطف خدا عساکر را به سلامت به خانه آوردند.»

ام قصی به وضعیت شش عسکر در زمان ورود به خانه اشاره کرد. او گفت: «آنها ترس خورده بودند و چهره‌هایشان مثل چهره مردگان بود. لباس‌های آنها گل‌آلود بود و بوت‌های پاره آنها نشان از سختی راه‌ها و باتلاق‌هایی بود که برای رسیدن به محلی مطمئن طی کرده بودند. با وجود عزاداری برای شوهر و پسر، و ترس از این که مبادا داعش این عساکر را در خانه من بیابد، قوتی فوق‌العاده در جسم خود حس کردم و اراده قاطع برای محافظت از آنها در من ایجاد شد. من نمی‌دانم که این حس و اراده از کجا در من ایجاد شد ولی به نظر من، خدا این قدرت را برای مبارزه با ترس در وجود من قرار داد. من از خالد خواستم که حمام را برای آنها آماده کند و لباس‌های خالد و برادرش را به آنها دادم و خودم مصروف تیار کردن غذا شدم. من در کنار آنها غذا خوردم.»

راه‌های قریه باریک را وحشت پر کرده بود. در شب صدای فیر مرمی که حکایت از ورود قوای داعش به شهر بود شنیده می‌شود. آنها جاسوس‌هایی را برای کشتن افرادی که ایدئالوجی مسموم‌شان را نمی‌پذیرند، به شهر می‌فرستادند. ام قصی با مقاومت در برابر قوای داعش از جوانان محافظت کرد.

او می‌گوید: «وقتی تنها بودم، نگران سرنوشت آنها بودم. به یاد شوهر و پسر می‌افتادم و به تلخی گریه می‌کردم، ولی بعد از ورود به اتاق اسکان مهمان‌ها، با اراده قوی و لبخند با آنها مواجه می‌شدم. در تمام ساعات شب با سلاح خود آماده محافظت از آنها بودم چون خود را مسئول جان آنها می‌دانستم و بسیار نگران آنها بودم. وقتی شبانه خبرشان را گرفتم، متوجه شدم که بدون کمپل خوابیده‌اند. شاید فکر می‌کردند که کمپل ممکن است مانع فرار آنها از موقعیت خطرناک شود. آنها با وحشت از خواب می‌پریدند و با دیدن لبخند من دوباره به خواب می‌رفتند.»

ام قصی به شجاعت مردان قریه در آن شرایط دشوار و نبرد آنها در جبهه‌های مختلف اشاره می‌کند. آنها از ارتفاعات سلسله جبال حمیرین تا قریه al-Fathah و تا ساحل برای جلوگیری از ورود قوای داعش به قریه می‌جنگیدند.

«شدت نبرد مردان را مصروف نگه داشته بود ولی برادر و پسرکاکایم، شیخ

خمیس الجیره، که مخصوصا مصروف رسیدگی به باشندگان منزل من بود، از حضور عساکر خبر داشتند. شیخ خمیس به من گفت: 'من برای تقویت روحیه تو آمده‌ام و امیدوارم که حالت خوب باشد.' با این که از درون از بین رفته بودم، به او لبخند زدم و به او گفتم که روحیه‌ام خوب است. به او گفتم که بخاطر نجات دادن مهمان‌ها و مراقبت از آنها خوشحال هستم. او بارها به دیدن ما آمد تا به من قوت قلب بدهد و ضرورت‌های احتمالی ما را برطرف کند.»

به دلیل این که العلم از کانون‌های تدارکاتی مهم بین سلسله جبال حمیرین و تکریت بود، داعش به این منطقه نزدیک شده بود. در ضمن، بین داعش و اهالی شهر به دلیل خودداری آنها از ورود به درگیری‌های فرقه‌ای ایجاد شده ذریعه گروپ ابومصعب الزرقاوی، دشمنی وجود داشت.

«بعد از 15 روز نبرد و محاصره منطقه ذریعه گروپ داعش، آنها موفق به تصرف منطقه شدند. جنگجویان قریه برای آتش‌بس با داعش مذاکره کردند و اجازه ورود به آنها دادند؛ در بدل آن، مردم اجازه یافتند تا قریه را ترک کنند. در آن شب غمبار، العلم به تصرف داعش درآمد. وضعیت شهر روز به روز وخیم‌تر و امید به نجات لحظه به لحظه کم‌رنگ‌تر می‌شد. روز بعد، داعش به همراه جاسوسان و جنگجویان خود به جستجوی خانه‌ها پرداخت تا اثری از افرادی که در برابر آنها مقاومت کرده و عساکر را فراری داده بودند، بیابد. آنها شروع به تخریب خانه‌ها و بازداشت افراد به دلایل نامعلوم کردند که این اقدام سبب آشفتگی و شلوغی شد. من نمی‌دانستم که چی باید بکنم و جوانان را کجا پنهان کنم.»

داعش شروع به تحقیقات و جستجوی شهر کرد و ام قصی و پسرانش تصمیم گرفتند به جای پذیرش ننگ تحویل دادن جوانان به داعش، تا پای جان مقاومت کنند.

«نواسه‌های خردسام را برای سات تیری به ساحه مقابل خانه فرستادم ولی آنها مراقب بودند تا ما را از نزدیک شدن ناگهانی قوای داعش باخبر کنند. عساکر از من خواستند که خانه را ترک کنم و خودم را به خاطر آنها به کشتن ندهم، ولی من گفتم که مردن به همراه آنها را به زندگی ننگین و افسوسی که در صورت تحویل دادن مهمان‌ها به قوای داعش گریبانگیر ما خواهد شد، ترجیح می‌دهم. من، در حضور فرزندانم، به آنها گفتم که اینها [پسرانم] تفنگ دارند و من نیز دو تفنگ داشتم. یکی از تفنگ‌ها را به آنها دادم و یکی را برای خودم نگه داشتم. تصمیم گرفتیم که در صورت حمله قوای داعش به خانه، تا پای جان بجنگیم.»

او امید به نجات یافتن یا نجات دادن عساکر را از دست نداد و مصروف یافتن راهی برای نجات دادن آنها شد. او عقیده داشت که معجزه ممکن است جوانان را نجات دهد.

«من سعی کردم کسی را پیدا کنم که ما را به صورت پنهانی در قالب فامیل از العلم خارج کند و به کمک دیگران فردی را پیدا کردیم که مدعی بود می‌تواند ما را با موتر به سامرا ببرد. او نام و تعداد مسافران را پرسید و من به او گفتم که من و پسرانم از ترس جان‌مان می‌خواهیم آنجا را ترک کنیم. شرط او این بود که ما در دو موتر سوار شویم؛ من در یکی و پسرانم در دیگری. او معتقد بود که بدین ترتیب شک کمتری ایجاد می‌شود، ولی من به او اعتماد نداشتم. من وانمود کردم که شرط او را قبول می‌کنم. به او گفتم که ساعت 7 صبح فردا با او دیدار می‌کنیم، ولی مطمئن بودم که این شرط دامی بیش نیست و او می‌خواهد جوانان را به داعش

تحويل دهد. من با شخص دیگری که یک موتر کلان داشت تماس گرفتم و اتفاقاً او قصد داشت به زودی از منطقه خارج شود.»

ام قصی گفت که عساکر آن روز عصر به همراه او و اعضای فامیلش سوار موتر شدند و سفر خود را در جاده‌ای خطرناک و پر از تروریست شروع کردند.

«برای این که قوای داعش در نقاط تفتیش بین راه به ما شک نکنند، دخترم، نواسه‌های دختری و همسر پسر من را با خودم همراه کردم. برای پنهان کردن جوانان، زنان را در کنار کلکین نشاندم. در مدت اقامت جوانان در خانه ما، فرزندانم برای آنها کارت دانشجویی جعلی به اسم پسرانم تهیه کرده بودند. ما فکر می‌کردیم که این کارت‌ها ممکن است مفید واقع شود و در واقع چنین نیز شد. ما نام دخترهای فامیل را به آنها یاد دادیم و جواب سوالاتی را که قوای داعش ممکن بود در مسیر راه مطرح کنند، با یکدیگر هماهنگ کردیم. سفرمان را در زمان ظهر آغاز کردیم. موتر به آرامی در کوچه‌های العلم که برای من آشنا بود، پیش می‌رفت ولی آن روز همه چیز برای من عجیب به نظر می‌رسید. چهره منفور تروریستان، لباس‌های عجیب و حالات ناخوشایند باعث ایجاد حس نفرت در من شد. ظاهر یا رفتار آنها شبیه مردم عراق نبود و گویی از سیاره دیگری آمده بودند. در اولین پوسته تفتیش، در فاصله نیم کیلومتری از خانه ما، یکی از تروریستان با فریاد و نشان دادن اسلحه به ما دستور توقف داد. شیشه کلکین را به آرامی پایین آوردم و گفتم: «خدا به شما نصرت عطا کند، فرزندانم.» یکی از آنها به سرعت جواب داد: «خدا به همراهتان.» این اولین معجزه بود، زیرا مردم آن منطقه پسران من را به خوبی می‌شناسند. باید به این موضوع اشاره کنم که ما بسیار ترسیده بودیم و من جان و ناموس دخترانم را در سفری نه چندان امیدبخش، به خطر انداخته بودم. ولی بر این باور بودم که در این سفر تنها نیستیم و خدا و دعای مادران همراه ما هستند. بعد از گذشتن از پوسته تفتیش، سکوت مرگباری در موتر حاکم شد. من سعی کردم سکوت را با لعنت کردن داعش و خندیدن با صدای بلند بشکنم. رو به عساکر جوان کردم و آنها خنده من را با خنده‌ای آمیخته با ترس و تشویش جواب دادند. این صحنه بارها در مسیر سفر تکرار شد و پس از هر بار عبور از پوسته تفتیش، ما مصروف خواندن قرآن شریف و دعا می‌شدیم.»

این سفر با رویدادهای غافلگیرکننده‌ای که جان اعضای گروپ را به خطر انداخت، همراه بود. بعد از گذاشتن از مناطق تحت تصرف داعش و ورود به اولین منطقه تحت تصرف قوای پیشمرگه در ورودی کرکوک، حالتی غیرمنتظره به عساکر دست داد.

ام قصی می‌گوید: «بعد از گذشتن از مناطق تحت تصرف داعش، ما احساس امنیت کردیم و با حالت طبیعی به شکلی که انگار فامیلی فرار کرده از دست داعش هستیم، در موتر نشستیم. عساکر پیشمرگه از نظر تفتیش و احتیاط بسیار نکته بین و مسلکی بودند. یکی از آنها از یکی از جوانان ما پرسید: 'نامت چیست؟' ولی علی هادی -که اتفاقات گذشته او را پریشان کرده بود- جواب برای این سوال نداشت! دخترم به آرامی به او گفت که 'بگو عبدالله اسماعیل عبدالله' ولی سوال دوم این بود که 'سال چندم دانشگاه هستی؟' و هیچ‌یک از ما جواب این سوال را نمی‌دانستیم. این وضعیت باعث مظنون شدن آن عسکر شد و او با گریه به جعلی بودن آی دی کارت اعتراف کرد. آن عسکر می‌خواست علی را از موتر بیرون ببرد، مانع ورود او به کرکوک شود و او را مجبور به برگشت به منطقه تحت

تصرف داعش کند. در این زمان من عمداً سرم را به در موتر کوبیدم. سر من دچار خون‌ریزی شد و دخترانم به فریاد و شیون پرداختند. آن افسر پرسید که چی اتفاقی افتاده است. دخترم جواب داد که بالا بودن میزان قند خون مادرم باعث شده است که سر او به در برخورد کند. افسر پیشمرگه آی دی کارت را به ما بازگرداند و به علی گفت: 'اگر آی دی کارتت جعلی باشد، تو را در داخل کرکوک دستگیر می‌کنند. عجله کن و مادرت را همین حالا به شفاخانه ببر!'

فاصله سواره بین العلم و سرحدات استان کرکوک یک ساعت و نیم است. شاید آن روز، به دلیل توقف‌های متعدد، این فاصله ظرف دو ساعت طی شد. ولی این طولانی‌ترین سفر عمر ام قصی و افراد درون موتر بود.

«در زمان غروب به کرکوک رسیدیم. آخرین موترهای عازم بغداد حرکت کرده بودند و تا صبح روز بعد موتر خالی وجود نداشت. در کرکوک جایی را برای اقامت نمی‌شناختیم. نمی‌توانستیم جوانان را در آنجا رها کنیم چون نگران آنها بودم. با دوست ترکم خود در کرکوک به تماس شدم و پس از شرح دادن داستان، از او کمک خواستم. او دوستی واقعی است و از ما پذیرایی کرد. او در منزلش اتاقی در اختیار عساکر قرار داد و ترتیبی داد که دیویری آشنا و مورد اعتماد صبح روز بعد آنها را به بغداد ببرد. من عساکر را به دوستم سپردم و به العلم برگشتم.»

ام قصی به دلیل شجاعت مفتخر به دریافت مدال ملی از دولت عراق شد. او یکی از 10 زن دنیاست که موفق به دریافت «جایزه بین‌المللی زنان شجاع 2018» از دست ملانیا ترامپ، بانوی نخست ایالات متحده، شده است. ام قصی در عکس‌العمل به یادآوری آن روزهای سخت، لبخند می‌زند و کارهای خود را از دیدگاه ملی و بشردوستانه شرح می‌دهد.

«خوشحالم که جان آن جوانان را نجات دادم و به جهان ثابت کردم که مردم عراق از هر فرقه یا قومی یکدیگر را دوست دارند. در خارج از عراق، پاسپورت من فقط تابعیت عراقی را نشان می‌دهد و مذهب، قومیت یا فرقه در آن ذکر نشده است. ما خود را مفتخر به تعلق به ملتی می‌دانیم که از گذشته گهواره تمدن بوده است. من یک فرد یزیدی را در خانه خود پناه دادم و نمی‌دانستم که او یزیدی است. من یک مسیحی و یک مسلمان را بدون این که مذهب آنها را بپرسم، پناه دادم. فقط می‌دانستم که آنها پسران مردم عراق هستند و به کمک من ضرورت دارند. با وجود خرد بودن خانه‌ام، قلب من کلان است و برای همه جا دارد.»

داستان ام قصی بین مردم عراق نشر و معروف شد و مردان و زنان آن را با غرور تعریف می‌کنند.

ام قصی می‌گوید: «بعد از خاتمه یافتن جنگ و آزاد شدن شهرها، آن جوان‌ها به خانه من آمدند. در حالی که از صحت‌مند بودن آنها اشک شوق می‌ریختم، از آنها استقبال کردم. گویی پسر من قصی و شوهرم که داعش آنها را کشته بود، به دیدار من آمده بودند. چنین حس می‌کردیم که پسرانم بیش از یک سال از من دور بوده‌اند و اکنون برای بوسیدن من آمده‌اند. امیدوارم که مادران عراقی دارای پسر و شوهر حالت من را درک کنند. بعد از برگشت من به خانه بعد از آزاد شدن العلم، هر جمعه به محل کشتار اسپایکر می‌روم و به ارواح پاک شهدا گل و فاتحه نثار می‌کنم. من می‌دانم که مادران آنها نمی‌توانند از راه‌های دور به آنجا بیایند و من وظیفه آن مادران مهربان را به عهده می‌گیرم. آنها پسران ما هستند، ما را سربلند کردند و از آبروی عراق دفاع کردند.»

تضعیف دشمن با کلمات

اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی عراق به مهارت‌های مبارزه با تبلیغات دهشت‌افگنی دست یافته است

کارکنان یونیپاث

داعش ذریعه اردوی الکترونیکی خود از کمپاین‌های معلومات‌دهی غلط مستفید می‌شد، شایعاتی را پخش می‌کرد و حقایق را غلط جلوه می‌داد تا وحشت و هرج و مرج را در دل باشندگان بکارد. شیوه‌های تأثیرگذاری روانی آن به این صورت بود که با نشر اخبار پیروزی‌ها و جنگ‌های غیرواقعی توانایی‌های نظامی خود را کلان جلوه دهد. اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی در وزارت دفاع عراق نقش مهمی در حمله به تبلیغات داعش و از بین بردن روحیه جنگجویان آن ایفا کرد. مجله یونیپاث با مردی ملاقات کرد که هدایت این جنگ غیرمترعارف را به عهده داشت و به دستیابی به پیروزی‌های بزرگ علیه دستگاه رسانه‌ای داعش کمک کرد: تورن جنرال تحسین ابراهیم صدیق، مدیر اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی.

یونیپاث: آیا پلان تان شکست دادن داعش در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی بود؟
تورن جنرال تحسین: ما مقابله با داعش را در رسانه‌های اجتماعی شروع کردیم؛ چون مرکز ثقل آنها بود، اما پروگرام ما بشمول برقراری ارتباط با باشندگان شهرهای تحت اشغال داعش نیز بود. ما عملیاتی برای ریختن برگه‌های اعلانیه در شهر موصل انجام دادیم. هدف از این عملیات این بود که پیامی را به مردم خودمان در موصل ارسال کنیم که آنها را فراموش نکرده‌ایم و آنها را از چنگ تروریزم آزاد خواهیم کرد. همچنین می‌خواستیم این اعلان‌ها نشان دهند که موصل بخشی از عراق است و قوای عراقی شهر را از دست ظلم آزاد می‌کنند. این هدف اصلی از ریختن برگه‌های اعلانیه بود. ما پیام‌هایی فرستادیم تا به مردم خود اطمینان بدهیم که قوای مسلح ما کنترل اوضاع را در دست دارند و محتوای بعضی از چینل‌های رسانه‌ای مشکوک چیزی جز دروغ نیست تا روحیه عمومی را پایین بیاورد.

یونیپاث: چی چیزی باعث هرج و مرج در میان رسانه‌ها و ترس در میان مردم شد؟
تورن جنرال تحسین: متأسفانه اظهارات بعضی از افسران اردو در خطوط مقدم متضاد و متناقض بود، چون تصویر کاملی از میدان جنگ در اختیار نداشتند. این اظهارات باعث آشفتگی و تشویش شدیدی شد. به همین دلیل، رهبری تصمیم گرفت تا اظهارات رهبران میدان جنگ را به رهبران قومندانی عملیات مشترک محدود کند و در 10 جون 2015، افسران دارای شرایط در این زمینه را منصوب کرد

یونیپاث: داعش در سال 2014، یک عملیات گسترده رسانه‌ای را به اجرا گذاشت. اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی چی نقشی در حمله به داعش در عراق ایفا کرد؟
تورن جنرال تحسین: بعد از سقوط موصل و سایر شهرها و قریه جات عراق، داعش از شایعات و تبلیغات برای گمراه کردن مردم عراق استفاده کرد. این شایعات همچون آتشی عظیم پخش می‌شد، انگار که تمام مناطق کشور بدون جنگ به دست تروریستان افتاده است. چنل‌های ستلایتی منافق، دروغ‌های داعش را تقویت می‌کردند، هرج و مرج را در بین رسانه‌ها گسترش می‌دادند و افکار عامه را گمراه می‌نمودند. ضرور بود بسیار عاجل به جنگ تبلیغات داعش برویم. ما با حمایت قوای ائتلاف، شروع به انکشاف یک ستراتیژی برای مقابله با این دستگاه تبلیغاتی کردیم. به یاد می‌آورم که در آن زمان با گروهی از اردوی ایالات متحده همکاری می‌کردیم تا در مورد تأثیر تبلیغات داعش بالای مخاطبان هدف و نقش این تبلیغات در استخدام و فریب جوانان مطالعه کنیم. اولین قدم ما ایجاد مرکزی برای نظارت بالای رسانه‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی داعش بود. این اداره یک صفحه مخصوص فیس‌بوک ایجاد کرد که ذریعه آن با شایعاتی که داعش پخش می‌کرد، مقابله می‌کردیم. در جریان چند هفته، 100 هزار فالوور پیدا کردیم و شهروندان مناطقی که تروریستان ادعا می‌کردند آنجا را زیر کنترل گرفته‌اند، شایعات داعش را رد می‌کردند. این یک نقطه عطف عمده در جبهه رسانه‌ای بود.

رسانه‌ها و وزارت دفاع، به شدت به تیمی ضرورت داشتیم که بتوانیم به آن اعتماد کرده و در آن دوران دشوار قادر باشیم با هم همکاری نماییم. جای بسی خوشحالی بود که یک تیم عملیات استخباراتی را در جریان برگزاری جلسات هفتگی با شرکای ائتلاف برای بحث در مورد چلنج‌های، دستاوردها و پلان‌های اقدام در اختیار داشتیم. این جلسات برای همه مفید بود. بعد از متوقف ساختن تبلیغات داعش و افشا کردن دروغ‌های آن در چنل‌های رسانه‌ای و صفحات رسانه‌های اجتماعی، شروع به پلان‌گذاری برای برقراری ارتباط با باشندگان مناطق اشغال شده به دست داعش کردیم. داعش دسترسی مردم به سایت‌های رسانه‌های اجتماعی و چنل‌های ستلایتی را محدود کرده بود و از استیشن‌های رادیویی و رسانه‌های محلی برای پخش تبلیغات در مورد پیروزی‌های دروغین و دستاوردهای خیالی "خلافت" بهره می‌گرفت. در عین زمان، به جنگجویان خود اجازه استفاده از اینترنت در کافه‌های اینترنتی تحت حفاظت پولیس حسبه و تحت نظارت شدید را می‌داد.



تورن جنرال تحسین ابراهیم صدیق، مدیر اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی وزارت دفاع عراق

تا افاق رسانه‌های جنگ را تشکیل دهند. کار مشترک ما با شرکایمان در قوای ائتلاف در آن دوران دشوار پیشرفت قابل توجهی داشت و به همکاری تمام سازمان‌های امنیتی ضرورت داشت. علاوه بر این، ما از قابلیت‌های افاق ملی خود برای عملیات روانی استفاده کردیم. ما یک استراتژی را برای مصئون کردن باشندگان علیه مساعی داعش در زمینه استخدام قوا به صورت آنلاین پیاده‌سازی کردیم. ما قوا را برای مطالعه و تحلیل سخنان‌های داعش، هم در اداره معلومات نظامی و اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی و هم در بخش امنیت ملی و بخش استخباراتی تشکیل دادیم. ما با انجام نظارت بر سایت‌های الکترونیکی داعش به‌طور بیست و چهار ساعته، نسخه‌های چاپی و تصویری منتشر شده ذریعه داعش را دنبال کرده و تحلیل می‌نمودیم. ما با این عملیات، از سبک برقراری ارتباط داعش با گروه‌های رسانه‌ای آن، شیوه‌های استخدام آن و ابزارهایش برای آوردن جنگجویان خارجی به عراق و سوریه مطلع شدیم.

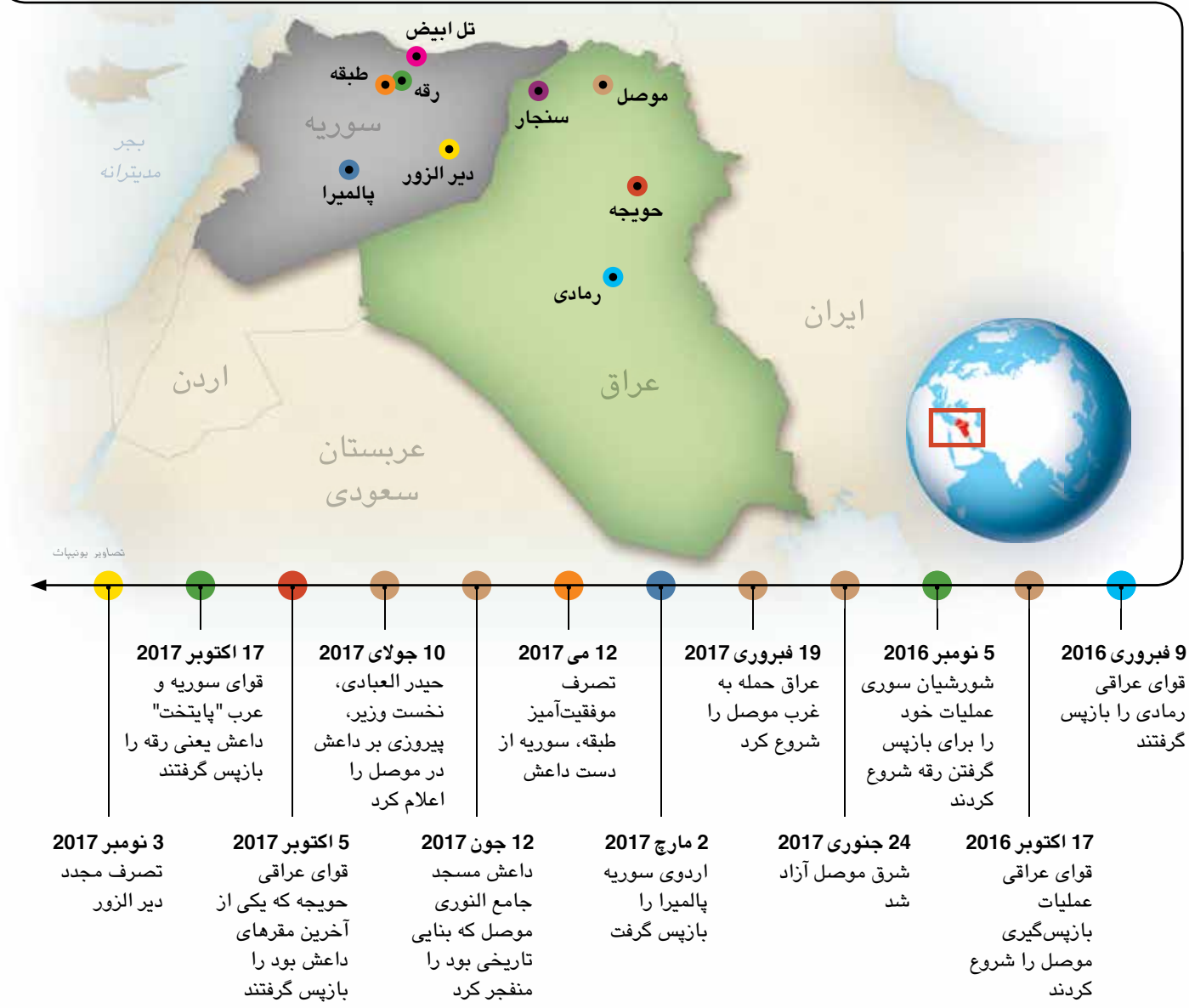
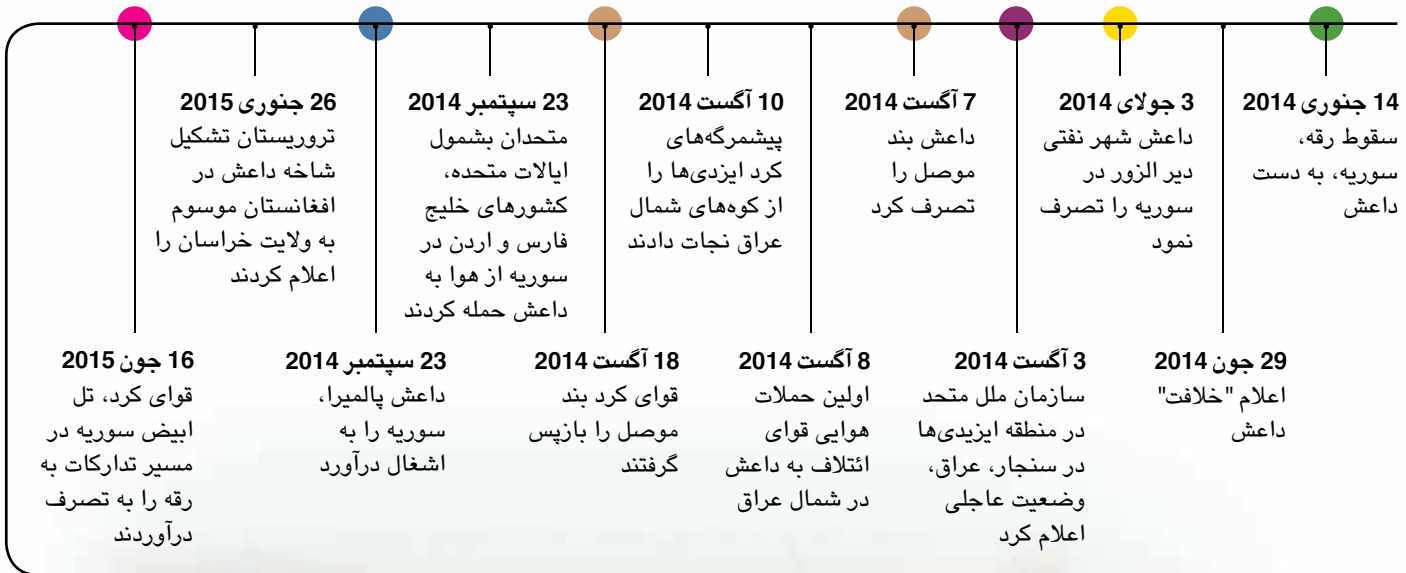
یونپیاث: شما به تأثیر رسانه‌های داعش اشاره کردید. پس از سقوط موصل، کدام سایت رسانه‌ای توانسته بود به شکلی مؤثر به روحیه عساکر آسیب برساند؟ چطور روحیه را بازسازی کردید؟

تورن جنرال تحسین: بعد از سقوط موصل، ائتلاف بین‌المللی نقش مهمی در حمایت از قوای مسلح عراق در زمینه پیاده‌سازی و تعلیم عملیات‌های روانی متعدد ایفا کرد. ما کمپاین بزرگی را برای بازسازی قوای خود ذریعه تعلیم، سلاح‌های بهتر و بازدیدهای اپراتیفی برای آگاهی از ضرورت‌های عساکر در مراکز تعلیمی یا خطوط مقدم اجرا کردیم. ما بالای ایجاد مسلکی گرای و روحیه در بین رزمندگان خود تمرکز نمودیم. و با قوای ائتلاف - عمدتاً ایالات متحده - همکاری کردیم که تعالیم پیشرفته و مسلکی فراوانی را برای تعلیم دادن به گروه‌های رسانه‌ای در زمینه شیوه انتقال اخبار به مردم و تحلیل رسانه‌های متخاصم ارائه می‌دادند. این کار به گروه‌های رسانه‌ای ما اعتماد به نفس زیادی را در زمینه مواجهه مسلکی و توأم با اعتبار با مردم ملکی بخشید. ما در جریان جنگ‌های آزادسازی، بالای مسلکی گرای و قهرمانی عساکر تمرکز کردیم. عساکر عراقی با یک دست، می‌جنگیدند و با دست دیگر به مردم ملکی کمک می‌کردند و خدمات بشردوستانه و طبی خود را برای کمک به ایجاد پل‌های اعتماد بین مردم ملکی و قوای امنیتی ارائه می‌دادند. دستیابی به این هدف بدون تعلیم و تعالیمی که گروه‌های ما از سخنرانی‌های مربوط به احترام گذاشتن به حقوق بشر در زمان تعامل با مردم تعلیم می‌دیدند، ممکن نبود. ضرور بود قوانینی برای تعامل، و عزم، اراده و شجاعت مورد ضرورت برای شکست دادن این سازمان‌های دهشت‌افکن وجود داشته باشد که به هیچ وجه ربطی به اسلام یا بشریت نداشتند.

یونپیاث: نقش ائتلاف در مبارزه با دهشت‌افگنی در رسانه‌های اجتماعی چیست؟ **تورن جنرال تحسین:** برای این منظور کارشناسان بین‌المللی دوره‌های تخصصی را برگزار کردند و در جریان این دوره‌ها به مطالعه شیوه‌های استفاده گروه‌های دهشت‌افن از صفحات رسانه‌های اجتماعی در زمینه استخدام و تبلیغات پرداختیم. ما مثل یک تیم با این کارشناسان در زمینه تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مبارزه با این سایت‌ها همکاری کردیم. این تعالیم تجربه‌ای عملی را در مورد نفوذ به رسانه‌های اجتماعی داعش برای تحلیل سخنرانی‌های آن در اختیار ما قرار داد و به این ترتیب، به ایجاد کمپاینی برای افشای دروغ‌های آنها کمک کرد. ما منحیث اداره

یونپیاث: گروه‌های رسانه‌ای شما چطور آماده شده و تعلیم می‌دیدند؟ **تورن جنرال تحسین:** ما با شرکایمان در قوای ائتلاف همکاری می‌کردیم تا گروه‌های رسانه‌ای را در جزوتمام‌هایی که برای آزادسازی شهرها آماده می‌شدند، تعلیم دهیم. ما پیشرفته‌ترین تخنیک‌های رسانه‌ای، از کمره گرفته تا لاوداسپیکر، استیشن‌های پخش رادیویی قابل حمل و دستگاه‌هایی برای ارسال تصاویر و فیلم‌ها ذریعه ستلایت را در اختیارشان قرار دادیم. مسلکی‌های عملیات رسانه‌ای و روانی ما از لاواسپیکرها برای ارسال پیام به مردم ما در مناطق اشغالی استفاده می‌کردند. ما این پیام‌ها را برای نابود کردن روحیه داعش و گسترش هرج و مرج و ترس در میان صفوف آنها پخش می‌کردیم. قوای ائتلاف استیشن‌های رادیویی قابل حمل را در اختیارمان قرار داده و گروه‌های ما را در مورد شیوه استفاده از آنها تعلیم دادند که مستقیماً بالای پروسه جنگ‌های ما تأثیر می‌گذاشت و به ما کمک می‌کرد مسیرهای مصئون فرار از شهر را به باشندگان اطلاع داده یا در مورد راه‌هایی برای همراه کردن دشمن اطلاع‌رسانی کنیم. ما ذریعه همکاری با قوای

ظهور و سقوط داعش



ائتلاف، مکان‌هایی که داعش از آنجا تبلیغاتش را نشر می‌کرد، دست به استخدام می‌زد و ارتباطات داخلی خود را مدیریت می‌نمود، کشف کردیم. ما این مکان‌ها را زیر نظر گرفته و محتوای آنها را بررسی می‌کردیم. این عملیات موجب توقف استخدام و خاموش کردن فراخوان‌های داعش شد که در توئیتر، فیس بوک و دیگر رسانه‌های چت حضور چشمگیری داشت. ما چن‌های ارتباطی داعش با هواداران و طرفدارانش را از کار انداختیم که به نوبه خود روحیه جنگجویان آن را پایین آورد. مشارکت ما با دوستانمان در قوای ائتلاف به همین‌جا ختم نشد، بلکه همچنان انکشاف پیدا کرد. آنها ما را به کانفرانس‌های بین‌المللی دعوت کردند تا درباره موفقیت خود در شکست دادن دستگاه رسانه‌ای داعش صحبت کنیم. ما به لندن و واشنگتن رفتیم و در جلسه تبادل استخبارات قومندانی مرکزی ایالات متحده در تامپا، فلوریدا اشتراک کردیم، در آنجا به مبادله تجربیات خود پرداخته و روابط نزدیک و ستراتیژیکی را برای انکشاف توانمندی‌های خود و به اشتراک گذاشتن تخصص‌مان با کشورهای دوست برقرار کردیم. همچنین میزبان کانفرانس‌های بین‌المللی در بغداد برای مقابله با ایدیالوجی و رسانه‌های داعش بودیم؛ بیشتر کشورهای دوست و برادر در این کانفرانس‌ها اشتراک کردند. این کانفرانس نتایج مثبتی در زمینه جلوگیری از کوشش سازمان‌های دهشت‌افکن برای استفاده از فضای مجازی جهت گسترش ایدیالوجی، شایعات و استفاده از جوانان داشت.

یونینپاٹ: پیام‌های روانی خود را برای نابودی روحیه داعش چطور می‌فرستادید؟
تورن جنرال تحسین: ما از این تخنیک‌های در نبرد انبار استفاده کردیم، از موثرهای در حال حرکت استفاده کردیم تا صدای جنگ، بمبارد، حملات هوایی و حملات تانک‌ها را برای گیج کردن گروپ‌های تروریستان پخش کنیم. ما بدون فیر یک مرمی کنیم وارد آن قریه‌جات می‌شدیم. ما موفق شدیم ترس و سردرگمی را در بین تروریستان ایجاد کنیم، صفوف آنها را ضعیف کردیم و دروغ‌هایشان در مورد حمایت شدن ذریعه صداها جنگجوی خارجی و محلی را افشا کردیم. وقتی بعدها چند تن از تروریستان را در این منطقه دستگیر کردیم، آنها گفتند که در جریان این جنگ‌ها، آنها و هم‌زمانشان بعد از شنیدن این صداها فرار کرده‌اند.

یونینپاٹ: شما به ریختن برگه‌های اعلانیه در موصل اشاره کردید. تأثیر این برگه‌های اعلانیه بالای نفوس چه بود؟

تورن جنرال تحسین: این موضوع بسیار مهم است. زمانی که برگه‌های اعلانیه را ریختیم، مردم از خواندن آنها به شدت خوشحال بودند؛ در عین حال این برگه‌های اعلانیه باعث ایجاد هرج و مرج و سردرگمی در بین تروریستان شد. ما از طیارات کشفی شاهد این سردرگمی بودیم - آنها مثل دیوانه‌ها شروع به جمع‌آوری همه برگه‌های اعلانیه کردند و خواندن آنها را برای باشندگان منع می‌کردند. اما تعداد برگه‌های اعلانیه ما بسیار بیشتر از آنها بود، به این ترتیب توانستیم با به راه انداختن ترس شدید، انرجی آنها را تخلیه کنیم. ما فرکانس‌های رادیویی و خطوط معلوماترسانی خود را در این برگه‌های اعلانیه ذکر کردیم و همین موضوع باعث شد به طور عاجل بعد از انداختن برگه‌های اعلانیه تعداد زیادی تماس داشته باشیم. در اینجا، مایل هستیم از قوای ائتلاف تشکر کنم که جوهر و کاغذ مورد ضرورت برای تهیه این برگه‌های اعلانیه را در اختیارمان قرار دادند. به‌طور مشخص به یاد دارم که گروهی از قومندانی مرکزی ایالات متحده در جریان این مدت هر روز با ما همکاری می‌کرد.

قبل از شروع جنگ موصل، ما بزرگترین عملیات روانی و رسانه‌ای را در تاریخ انجام دادیم. ما بیشتر از 40 میلیون برگه‌های اعلانیه در ولایت نینوا و غرب انبار ریختیم. این کمپاین شدید برای آن بود که به باشندگان بگویم زمان آزادی نزدیک شده است، معلومات مصنون را در اختیارشان قرار می‌دادیم و از آنها می‌خواستیم از گروپ‌های داعش دور بمانند. ما برگه‌های اعلانیه جداگانه‌ای را برای هدف قرار دادن جنگجویان خارجی و محلی تهیه کردیم. این کمپاین‌ها سوءظن را در میان تروریستان برانگیخت و باعث شد که خودشان با هم به جنگ بپردازند، و به این ترتیب فضای جنگ روانی برای قوای آزادسازی ایجاد گردید. مردم ملکی که از شهر فرار می‌کردند، نسخه‌ای از این برگه‌های اعلانیه را با خود حمل کردند و به ما می‌گفتند که باعث شادی و امید آنها شده است.

یونینپاٹ: بعد از موصل تخنیک‌های رسانه‌ای نظامی چی تغییری کرد؟
تورن جنرال تحسین: قبل از موصل، رسانه‌ها به تمرکز بالای اخبار رهبری و بازدیدهای اپراتیفی قومندانان محدود بودند و هیچ تعلیمی مخصوصی برای افسران رسانه‌ای وجود نداشت. این نقش دوستان ما در ائتلاف بود: قبل از موصل آنها به ما کمک کردند تا یک پروگرام تعلیمی برای افسران رسانه‌ای در قوای امنیتی ایجاد کنیم. ما با همکاری شرکای خود اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی را توانمند کردیم که اکنون حقیقت را مطرح می‌کند، چی در زمینه مبارزه با تبلیغات دهشت‌افگنی و چی در زمینه بالا بردن روحیه قوای ما و هم اکنون اعتماد و تجربه مورد ضرورت را در زمینه مدیریت بحران‌ها ذریعه مبارزه با شایعات، مشاهده، تحلیل و پیروز شدن در جلب مخاطب هدف کسب کرده است. این پیشرفت به ما در برقراری تعامل با عموم مردم انعطاف بسیار داد و به ما کمک کرد از معلومات محرم خود محافظت کنیم. معلومات نظامی نقش مهمی در به شکست دادن بسیاری از حملات ذریعه نظارت و تحلیل ارتباطات داعش در سایت‌های رسانه‌های اجتماعی ایفا کرد. این کار موجب تقویت کمک ارائه شده ذریعه قوای ائتلاف در زمینه تبادل معلومات پس از هدف قرار دادن رهبری و مراکز قومندانی و کنترل داعش شد، چون جنگ روانی را برای شکست اراده آنها به کار گرفتیم. در واقع، ما باعث شدیم جنگجویان محلی فرار کنند یا خودشان را به قوای ما تسلیم کنند.

یونینپاٹ: نقش اداره رسانه‌ها و رهنمودهای روحیه‌بخشی در پیروزی بر قلب و ذهن باشندگان و جلوگیری از برگشت داعش به مناطق آزاد شده چیست؟
تورن جنرال تحسین: نقش ما برقراری ارتباط با باشندگان و انتقال رنج و تشویش آنها به رسانه‌ها است. ما تشویش‌های مردم از وضعیت خود را به رهبری منتقل کردیم تا بتواند آنچه که مردم ضرورت دارند را فراهم کند. همچنین به عساکری که پوسته‌های تفتیش در این مناطق را اداره می‌کردند در مورد چگونگی رفتار همراه با احترام با مردم تعلیم دادیم. ما مأموریت اردو برای باز کردن جاده‌ها، ارائه خدمات، محافظت از نهادها و مراکز دولتی و تداوی مریضان و زخمی‌ها را مستند کردیم. همچنین مساعی انجیزی را برای باز کردن مکاتب پوشش دادیم که باعث ایجاد اعتماد بین اردو و شهروندان شد و به شهروندان انگیزه داد معلوماتی که در مورد پناهگاه‌های تروریستان و فعالیت‌هایشان دارند را در اختیار ما بگذارند. ما قدم‌های بزرگی در ایفای نقش رسانه‌های نظامی برداشتیم و در بین انکشاف یافته‌ترین اردوی جهان در این زمینه قرار گرفته‌ایم. ♦

افغان‌ها به داعش حمله می‌کنند

قوای عملیات خاص تروریستان را از پایگاه‌هایشان در شرق افغانستان بیرون می‌کنند

بریدمن امی فورسیث، قوای بحری ایالات متحده

کندک ASSF و 6 تیم قوای خاص ایالات متحده همراه با قوای حمایتی بود، هیچ‌قسم تلفاتی نداشتند.

قبل از این عملیات، ISIS-K خانه‌ها را تصرف کرده و صدها فامیل را مجبور به فرار از منطقه کرده بود و باعث شد موی سفیدان قریه از کوماندوهای افغان درخواست کمک کنند. استخبارات بشری نشان می‌داد ISIS-K ذریعه برداشت غیرقانونی از معادن تالک و همچنان سواستفاده از باشندگان قریه، ضروریات مالی خود را تأمین می‌کند.

ISIS-K - که به نام داعش نیز شناخته می‌شود - به دلیل وحشیگری شدید به خاطر سر بریدن و حملات پرتلفات به جلال آباد و کابل به شهرت رسید. دگرمن اردوی ایالات متحده، جاشوا تیل، قومندان قوای ضربت عملیات خاص افغانستان، گفت: "دستاوردهای عملیات هوایی و زمینی یکپارچه، از جمله تخریب گره‌های قومندانی و کنترل ISIS-K ذریعه گزیده‌های زمینی به رهبری افغانستان در ننگرهار، نشان‌دهنده انکشاف بسیار زیاد توانایی قوای خاص امنیتی افغان از زمانی است که دولت افغانستان در سال گذشته پلان‌های خود را برای تقویت ASSF اعلان کرد."

د یکی از کلانترین عملیات‌های مشترکی که تاکنون بین ایالات متحده و قوای عملیات خاص افغانستان انجام شده است، در ماه جون 2018 کوماندوهای افغان یک پایگاه اصلی دولتی اسلامی خراسان (ISIS-K) را تصرف کرده و این گروه دهشت‌افکن را از مرکز محلی خود بیرون کردند.

عساکر قوای خاص اردوی ایالات متحده که به مرکز قومندانی عملیات خاص ناتو- افغانستان تخصیص یافته بودند، کوماندوهای افغان را مورد مشوره قرار دادند. قوای امنیتی خاص افغانستان (ASSF) و کلاه سبزیهای ایالات متحده 170 جنگجوی وابسته به ISIS-K را که شاخه دهشت‌افگنی این شبکه در افغانستان است، در جریان یک حمله چندجانبه به قریه گورگوری که پایگاه اصلی عملیات این گروه در شرق ولایت ننگرهار بود، کشتند آنها تنها در چند روز در فاصله حدود 25 کیلومتری سرحد افغانستان-پاکستان یک پایگاه خرد را راه‌اندازی کردند. در جریان این مأموریت قوای نظامی افغان یا ایالات متحده که شامل سه

قوای ایالات متحده در افغانستان برای جلوگیری از عود دوباره جنگجویان ISIS-K، یک حمله هوایی را در دامنه کوه در بالای قریه گورگوری انجام می‌دهند.

بریدمن امی فورسیث / قوای بحری ایالات متحده



سبزها بود تا ISIS-K به زمین‌های ناهموار عقب رانده شده و زمین و خانه‌ها به مالکان قانونی آنها یعنی افغان‌ها بازگردانده شوند.

"تا دو ماه قبل این ناحیه تحت کنترل داعش بود"، برید جنرال اردوی ایالات متحده جان دبلیو برنان جونیور، قومندان قومندانی تعلیم، مشاوره و کمک شرق، در ماه جون 2018 این سخنان را به زبان آورد. "ما آنها را به کوهستان عقب راندیم تا نتوانند به مردم در اینجا صدمه بزنند".

کوماندوهای افغان با انجام یک عملیات طولانی ضد دهشت‌افگنی با مستفید شدن از سه کدک کوماندوی افغان از دو تولى عملیات خاص، یا SOK، به نقطه عطف محاربوی دیگری دست پیدا کردند.

استقرار قوایی به استعداد یک کدک متشکل از کوماندوها در ده بالا حاصل سرمایه‌گذاری دولت افغانستان برای دو برابر کردن تعداد قوای کوماندو بود، چنانکه نقشه راه سال 2020 رئیس جمهور اشرف غنی، چنین فرمانی را صادر کرده بود. ظرف یک سال بعد از اعلان این نقشه، 4,000 کوماندو اضافی به کدک‌های عملیات خاص در سراسر کشور ملحق شدند.

جنگ با دولت اسلامی و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی، از جمله القاعده مهم‌ترین بخش از مأموریت مقابله با دهشت‌افگنی است که ذریعه قوای افغان و ایالات متحده در سرتاسر کشور انجام می‌شود.

دگرمن تیل گفت: "این عملیات نشان داد که استقرار عساکر بالای روی زمین علاوه بر حملات هوایی مداوم، ترکیب مناسبی برای جلوگیری از نفوذ ISIS-K به کشور از سمت شرق است." قوای اردوی ملی افغانستان و قوای سرحدی افغانستان حضور خود را در این منطقه حفظ خواهند کرد تا اطمینان حاصل شود که ISIS-K نتواند دوباره خلافت خود را در امتداد سرحدات بدون محافظ شرق افغانستان ایجاد کند. و ما همچنان در کنار همکاران افغانی خود ایستاد می‌شویم و از رشد ASSF، عملیات‌ها و اشتراک متداوم خود برای امنیت جهانی حمایت خواهیم کرد." ♦



حملات هوایی به زمین افغانستان در جولای 2018، سازمان ISIS-K را در ولایت ننگرهار، افغانستان از بین برده است. ناو

یک کوماندوی افغان در جون 2018 در عملیات ماین پاکي در ننگرهار اشتراک می‌کند.

خورد ضابط ارکان مارکوس باطر/اردوی ایالات متحده



یک شاخه ISIS-K از زمان حضور خود در افغانستان در سال 2014، سعی کرد خلافت را در ولایت ننگرهار ایجاد کند. ISIS-K که نقشه اولیه‌اش تسخیر جلال آباد و بعد مجبور کردن شهروندان آن به بیعت با خود بود، سعی می‌کند پناهگاه‌هایی پیدا کند تا بتواند از آن من حیث نقطه‌ی پرش آیدیالوجی جهادی جهانی خود استفاده کند.

در اوایل سال 2015، سخنگوی رسمی ISIS، ابومحمد العدنانی، یک بیانیه صوتی نشر کرد و انکشاف "خلافت" را با ایجاد ولایت خراسان (ولایت خراسان) که یک منطقه تاریخی بشمول بخش‌هایی از افغانستان و پاکستان امروزی است، اعلان نمود.

درگیری میان جنگجویان طالبان و شاخه ISIS-K افزایش یافت و جنگ بین دو گروه در ولایت ننگرهار آغاز شد. تا جون 2015، جنگجویان ISIS-K، شامل جنگجویان افغان و خارجی، برای اولین بار بخشی از سرزمین افغانستان را تصرف کردند.

قوای ایالات متحده در افغانستان بعد از دریافت اجازه از ریاست جمهوری ایالات متحده برای هدف قرار دادن شبه نظامیان وابسته به دولت اسلامی در جنوری 2016، به تعقیب ISIS-K در مناطق دورافتاده و بدون نفوس ننگرهار که ISIS-K آن را منحصی مکان خلافت خود اعلان کرده بود، پرداختند. ISIS-K بعد از زیر فشار قرار گرفتن، به ناچار مرکز عملیات خود را منتقل کرده و مهمند دره در ولسوالی آچین را منحصی مرکز عملیاتش اعلان نمود.

اعلان ستراتیژی ایالات متحده برای جنوب آسیا در جولای 2017 باعث به وجود آمدن رویکرد مبتنی بر شرایط در مورد تعهد پایدار ایالات متحده در افغانستان گردید. این پالیسی امکان اجرای عملیات تهاجمی خاص مشترک در جنوری 2018 را فراهم کرد که ISIS-K را 7 کیلومتر از پایگاه قبلی خود در مهمند دره عقب راند. ISIS-K که برای دومین بار پایگاه خود را از دست داده بود، به منظور انجام عملیات تروریستی به نزدیکی گورگوری در ولسوالی ده بالا عقب نشینی کرد.

دولت افغانستان در اواسط جون 2018، پلان بی‌سابقه برای آتش‌بس با قوای طالبان ارائه داد که باعث شد فضایی برای تشدید مساعی علیه ISIS-K فراهم شود. عملیات ننگرهار یکی از کلانترین همکاری‌ها بین کوماندوهای افغان و کلاه

جنگ روانی

مصاحبه با

تورن جنرال

سعد العلق،

رئیس اداره

استخبارات

نظامی عراق

کارکنان یونیپاث



یونیپاث: نقش اداره استخبارات نظامی عراق در میدان نبرد با داعش چی بود؟

تورن جنرال سعد العلق: پس از رویدادهای 10 جون 2014، و حضور گروپ‌های دهشت‌افگنی در مناطق وسیعی از عراق، اداره ما شروع به جمع‌آوری معلومات کرد و معلومات مهمی را ذریعه منابع فراوان و همکاران خود به دست آورد. قوای این اداره با نفوذ به سازمان‌های دهشت‌افگنی به مخفیگاه‌های قومندانی و کنترل و تسلیحات دشمن دست یافتند و حملات هوایی دقیق باعث از بین رفتن بخش عمده‌ای از امکانات نظامی دشمن شد. ما موفق به کشف ساختار گروپی تروریستان که به اصطلاح دولت خود را با آن اداره می‌کردند، شدیم. به همین ترتیب معلومات بیشتری درباره دشمن کسب کردیم. در ضمن، ماموران اداره استخبارات نظامی اقدام به جمع‌آوری معلومات هوایی کردند و معلومات موجود در بخش جمع‌آوری اداره را با معلومات به دست آمده تطبیق دادند. ما موفق به شناسایی مراکز قومندانی و کنترل دشمن شدیم. با عکس‌برداری هوایی، به ترسیم نقشه و بررسی معلومات زمینی پرداختیم. ما برای ارائه معلومات به هنگام به مدیران، اقدام به ایجاد سلول‌های استخباراتی در مراکز عملیاتی کردیم. ما با هماهنگی قوای هوایی و ذریعه قومندانی مشترک عملیات موفق به کشف اهداف هوایی شدیم و برای ارائه معلومات به مدیران اپراتیوی از امکانات تخنیکی مثل طیاره و کمره بهره گرفتیم. و سرانجام، ما گروپ‌هایی را برای تفتیش امنیتی بیجاشده‌گان داخلی تشکیل دادیم.

یونیپاث: اقدامات استخباراتی شما در شهرهای تحت تصرف داعش چی بود؟

تورن جنرال سعد العلق: اداره استخبارات نظامی نقش مهمی در اجرای عملیات استخباراتی در داخل شهرهای تحت کنترل گروپ‌های دهشت‌افکن دارد:

- مستفید شدن از منابع و امتیاز همکاری با مردم شهرهای تحت کنترل گروپ‌های حامی تروریستان.
- کشف مکان‌های اصلی و مراکز قومندانی گروپ‌های حامی تروریستان و هدایت حملات متمرکز به مواضع آنها.
- اجرای حملات دقیق با هماهنگی قوای هوایی و

کندک هوایی اردو علیه مراکز کلیدی داعش، که به تخریب روحیه دشمن و از بین رفتن بسیاری از رهبران برجسته سازمان منجر شد.

- جمع‌آوری معلومات درباره همکاران داعش و حامیان عناصر دهشت‌افگنی، که به توقیف بسیاری از افراد تحت تعقیب در جریان عملیات آزادسازی منجر شد.
- نفوذ به جبهه دشمن ذریعه جزوتم‌های کشفی مستقل بخشی، ورود به شهرها و کسب معلومات درباره کیفیت توزیع قوای دشمن و مراکز اصلی آنها. بعضی از عکسها در قالب عملیات روانی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

ما باید دروغ‌های دشمن

و رسانه‌های نامعتبر

را ذریعه نظارت و

پیگیری پروگرام‌های

آنها، به خصوص

چنل‌های نشرکننده

نفرت و اخبار دروغ و

نامعتبر که زمینه‌ساز

بی‌ثباتی و تضعیف

اعتماد بین شهروندان

و قوای امنیتی

هستند، فاش کنیم.



یونیپاث: اداره استخبارات نظامی چی تعداد شبکه دهشت‌افگنی را متلاشی کرده است؟

تورن جنرال سعد العلق: اداره چندین شبکه دهشت‌افگنی فعال در دره‌های مختلف داعش را متلاشی کرد که این اقدام تاثیر چشمگیری بالای ثبات و امنیت کشور داشت. بیشتر این شبکه‌ها متلاشی شده‌اند و فقط بخشی از آنها باقی مانده است:

- در سال 2015، ۴ شبکه دهشت‌افگنی متلاشی شدند که چهار مورد از آنها در ولایت جنوبی، پنج مورد در منطقه بغداد و یک مورد در ولایت فلوجه فعال بودند.
- در سال 2016، چهار شبکه دهشت‌افگنی متلاشی شد که سه مورد از آنها در منطقه بغداد فعالیت داشت و یک شبکه در شمال ولایت بغداد فعال بود.
- در سال 2017، پنج شبکه دهشت‌افگنی متلاشی شدند که دو شبکه در شمال ولایت بغداد، یک شبکه دهشت‌افگنی در ولایت دیاله، یکی در ولایت نینوا و یکی نیز در ولایت انبار فعال بودند.
- «سلول استخباراتی» و اداره ضد دهشت‌افگنی استخبارات نظامی در حال پیگیری برای متلاشی کردن چندین شبکه دهشت‌افگنی هستند.

یونیپاث: عراق چطور می‌تواند مانع شکل گرفتن سازمان‌های دهشت‌افگنی در آینده شود؟

تورن جنرال سعد العلق: با مراقبت از سرحدات بین‌المللی، به خصوص سرحدات سوریه، و تقویت قوای سرحدی با سیستم‌های پیشرفته نظارت و نیز طیاره‌های بدون سرنشین. البته کنترل ابزارهای ارتباطات اجتماعی ذریعه دروازه‌های دسترسی الکترونیکی و محدود کردن رسانه‌های اجتماعی به چندین سایت معتبر، مثل آنچه در کشورهای انکشاف یافته دیده می‌شود، ضروری است. ما باید از فروش سیم‌کارت تلفون موبایل ذریعه مسئولین غیرمجاز جلوگیری کنیم و با هماهنگی اداره امنیت ارتباطات، همکاری با عوامل مجاز را که دارای جواز امنیتی هستند، بپذیریم. مقابله با پروسه گسترش گروپ‌های افراط‌گرای تکفیری ذریعه کمپاین‌های معلومات‌رسانی در بین گروپ‌های سنی مختلف، به خصوص جوانان، ضروری است. ما باید تروریستان زندانی را احیا و زمینه رهاسازی آنها از ایدیالوجی افراطی را فراهم کنیم. در این زمینه بازسازی مفکوره‌های آنها

ذریعه پروگرام کار در محابس ضروری است. ما باید با موثر کردن پالیسی خود، رویکردی نامتوازن در پیش بگیریم و از پروگرام‌های جنگ سنتی دوری کنیم. همچنین باید برای بازتوزیع قوا و کنترل نقاط حیاتی بر بنیاد معلومات جمع‌آوری شده اقدام کنیم. عراق باید اقدامات استخباراتی خود را برای یافتن گدام‌های مواد انفجاری، راکت‌ها و تسلیحات و از بین بردن آنها تقویت کند تا سازمان‌های دهشت‌افگنی نتوانند از آنها استفاده کنند. ما باید دروغ‌های دشمن و رسانه‌های نامعتبر را ذریعه نظارت و پیگیری پروگرام‌های آنها، به خصوص چنل‌های نشر دهنده نفرت و اخبار دروغ و نامعتبر که زمینه‌ساز بی‌ثباتی و تضعیف اعتماد بین شهروندان و قوای امنیتی هستند، فاش کنیم.

ما باید اصل امنیت ملی را بین کشورهای منطقه و همسایه فعال کنیم و اعتماد بین شهروندان و کارشناسان امنیتی را تقویت کنیم زیرا اعتمادسازی بین شهروندان و قوای امنیتی نیمی از کار نبرد را تشکیل می‌دهد. ما باید برای ارزیابی دوره‌ای پروگرام‌های امنیتی و عناصر امنیتی مسلکی اقدام کنیم. تقویت اقدامات مربوط به جمع‌آوری معلومات انسانی در فضای مجازی ضروری است. ما باید نظارت الکترونیکی در مناطق مسکونی و تجارتی و سیستم کنترل ترافیک را برای نظارت تحرکات موثرهای مشکوک بپذیریم. نظارت سختگیرانه بر فعالیت مراکز انتقال پول و بانکهای خصوصی ضروری است.

یونپپاث: اهمیت تبادل معلومات با کشورهای دوست چیست؟

تورن جنرال سعد العلق: قوای داعش از سرحدات باز بین سوریه و عراق استفاده می‌کردند. در بخش تبادل معلومات، همکاری و هماهنگی با کشورهای دوست اهمیت بسزایی دارد. تبادل معلومات تاثیر چشمگیری بالای موفقیت نبرد با گروپ‌های دهشت‌افگنی دارد؛ مخصوصاً تبادل معلومات بین سازمانهای استخباراتی عراق و سازمانهای کشورهای دوست می‌تواند زمینه‌ساز پیشگیری از تحرکات غیرقانونی در سرحدات عراق باشد. باید اشاره کرد که تبادل معلومات با قوای ائتلاف به موفقیت بسیاری از عملیات استخباراتی فعال منجر شد. بدین ترتیب امکان حمله ما به مراکز قومندانی و کنترل و مواضع گروپ‌های دهشت‌افگنی و کشف هوایی و قطع مسیرهای کمک‌رسانی به

دشمن فراهم شد. نقش کشورهای دوست، مخصوصاً در حوزه جمع‌آوری و تبادل معلومات درباره دشمن و تحرکات آن در سالهای آینده اهمیت بیشتری می‌یابد. مثلاً در سوریه دشمن هنوز در مناطق آزاد نشده حملات غافلگیرانه‌ای انجام می‌دهد و تهدیدی برای امنیت عراق محسوب می‌شود. همکاری با کشورهای برخوردار از تجهیزات پیشرفته و دارای توانایی نظارت کارآمد دشمن و تحرکات آن برای ما بسیار سودمند است. تروریستان قصد دارند از مفهوم جهاد به

ما باید اصل امنیت ملی را بین کشورهای منطقه و همسایه فعال کنیم و اعتماد بین شهروندان و کارشناسان امنیتی را تقویت کنیم زیرا اعتمادسازی بین شهروندان و قوای امنیتی نیمی از کار نبرد را تشکیل می‌دهد.

منتظر استفاده خواهند کرد. آنها قصد دارند با خرید و نگهداری سلاح‌ها و مواد منفجره مختلف النوع و پنهان کردن آنها از دید قوای امنیتی، در مناطق و قریه‌جات واقع در سرحدات بین بخش‌های عملیاتی فعالیت کنند. آنها همچنین بالای روی محابس عراق و استفاده از وکیل برای رسیدگی به دوسیه و پرداخت رشوه برای تخفیف حکم تروریستان تمرکز کرده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده کمبود جنگجو و رهبر در جبهه داعش است زیرا بسیاری از آنها دستگیر یا کشته شده‌اند. آنها برای فرستادن نامه و پول از زنان کمک می‌گیرند که این مساله معضل کلانی برای قوای امنیتی و سازمانهای استخباراتی است. یکی از مهم‌ترین معضلات امنیتی سرزمین عراق که ممکن است مورد استفاده دشمن قرار بگیرد، وجود مناطق ناامن است که باعث نفوذ تروریستان و گروپ‌های جرایم سازمان یافته، می‌شود. استفاده قبایل از رسانه و سلاح‌های سنگین باعث بر هم خوردن تعادل امنیتی شده است که تروریستان و گروپ‌های جرایم سازمان یافته می‌توانند در عملیات خود از این نقص سوءاستفاده کنند. مشکل دیگر، بروز تاخیر در پروسه بازسازی مناطق آزاد شده، ارائه خدمات به شهروندان و تضمین بازگشت پناه جویان برای جلوگیری از تمایل آنها به گروپ‌های دهشت‌افگنی است. ما متوجه ظهور گروپ‌های مسلح جدید با ایدئالوجی‌های افراطی در مناطق خالی از سازمان‌های دهشت‌افگنی شده‌ایم که اصطلاحاً گروپ‌های بیرقت سفید نامیده می‌شوند. سازمان‌های دهشت‌افگنی قصد دارند از مفهوم جهاد به اصطلاح سراسری برای ایجاد کمپ استفاده کنند و بعداً این کار را در کشورهای دیگر نیز انجام دهند.

یونپپاث: از نظر بخش امنیتی دلایل پیوستن مردم به گروپ‌های دهشت‌افگنی چیست؟

تورن جنرال سعد العلق: من به اعترافات بعضی از تروریستان که به دست قوای ما اسیر شدند، اشاره می‌کنم. نخست، بسیاری از تروریستان خود را متعلق به سازمان دهشت‌افگنی سابق القاعده معرفی کرده‌اند. آنها به اقدامات دهشت‌افگنی خود ادامه داده بودند و سپس به دلیل ایدئالوجی تکفیری و مجرمانه خود به داعش ملحق شده بودند. آنها در بعضی مساجد به سخنرانی مبلغان فتنه گوش کرده بودند و از امامان مروج خشونت، کفاره، فرقه‌گرایی،

اصطلاح سراسری برای ایجاد کمپ و سلول در سینا، نیجریا، سومالیا، لیبیا و نقاط دیگر مستفید شوند.

یونپپاث: معضلات امنیتی بعد از شکست دادن داعش کدام‌اند؟

تورن جنرال سعد العلق: داعش پس از قبول شکست می‌کوشد تا ذریعه سازمان‌دهی دوباره و تغییر استراتژی به تعهدی بلند-مدت به مبارزه پنهان، به اهداف از پیش تعیین شده حمله کند. آنها از حملات انتحاری و تکتیک‌های سلول غیرفعال

کشتار و چپاول تبعیت کرده بودند. این رهبران مذهبی بیشتر جایگاه‌های مهمی در داعش دارند. انگیزه دوم، تمایل به پول است. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از افراد برای مستفید شدن از امتیازات مالی به گروپ‌های دهشت‌افگنی ملحق می‌شوند. آنها برای فریب دادن جوانان، به افرادی که به داعش سوگند وفاداری می‌خورند، جیب خرجی ماهوار می‌پردازند. شیوع بیکاری در عراق و کشورهای همسایه، یکی از عوامل تمایل بسیاری از جوانان به داعش است. اعتراضات برخی از افراد دستگیر شده حاکی از آن است که آنها بر اثر اجبار و تهدید به داعش پیوسته‌اند. تروریستان، مخصوصاً در مناطقی که در آنجا پایگاه محکمی دارند، از اجبار و تهدید بهره می‌گیرند. آنها برای دستیابی به اهداف خود، جوانان را وادار به همکاری در زمینه جمع‌آوری معلومات، کشف، پروسس امکانات و فعالیت‌های دیگر می‌کنند. سرانجام، تروریستان از شبکه‌های اجتماعی، رایج‌ترین ابزار جذب نیرو، استفاده می‌کنند زیرا استفاده از این ابزار آسان و حوزه پوشش آن گسترده است. در ضمن، آنها اقدام به بهره‌برداری از زندانیان و آشنا کردن آنها با تعصب مذهبی و نفوذ به مکان‌های تفریحی برای جذب مسلکی‌های بخش مواد مخدر، جعل پول و قاچاق سلاح برای استفاده در شبکه‌های پشتیبانی و اکمالاتی می‌کنند.

یونپاث: جنگجویان از نظر فرهنگی و علمی در چی سطحی هستند؟

تورن جنرال سعد العلق: با تحلیل و بررسی تعدادی از شخصیت‌های برجسته و رهبران برجسته مشخص شد که بسیاری از آنها دارای مدرک لیسنس و ماستری در رشته‌های مختلف عمران و نظامی هستند. طور مثال، ابوبکر البغدادی، رهبر این سازمان دهشت‌افگنی، دارای داکتری در رشته حقوق اسلامی است. معاون وی، ابو عبدالرحمن البیلوی، که «وزیر جنگ» نیز بود، دارای مدرک لیسنس علوم نظامی است. حاجی سمیر، مسئول تولید و انکشاف، دارای مدرک در علوم نظامی است. ولی داعش بالای روی استفاده از افراد کم-سواد و استفاده از آنها منحص ابزاری برای اجرای پلان‌های شیطانی در خاک عراق تمرکز کرده است. این دسته از افراد بخش عمده سازمان را تشکیل می‌دهند چون فریفتن و تعلیم دادن آنها آسان است. آنها برای اجرای پروگرام‌های

خود متکی به جوانانی هستند که اغلب بیشتر از 15 سال ندارند. بهترین سند برای اثبات این ادعا آن است که بیشتر حملات انتحاری را اطفال انجام می‌دهند. از همان ابتدا، رهبران سازمان از تلقین ایدئالوجی به اطفال و نوجوانان حمایت می‌کردند. بازجویی از تروریستان و مہب‌گذاران انتحاری که به دست قوای اداره استخبارات نظامی دستگیر شده بودند نشان داد که آنها در زمینه تحصیل موفق نبوده‌اند و با مفهوم جهاد و اصول مذهب آشنا نشده بودند. یگانه وظیفه

این جزوتام با وجود جدیدالورود بودن وظیفه تخریب روحیه دشمن و نشر شایعات در بین رده‌های آن را بر عهده دارد. این جزوتام روایت‌های افراطی از گروپ‌های دهشت‌افگنی را شناسایی و آنها را برای عموم مردم افشا کرده است ۱۱

تروریستان اعلام وفاداری به فرمان‌های «امیر» بود. تروریستان بالای روی فامیل‌های تروریست که برخی اعضای آنها کشته شده بودند متمرکز می‌شدند و به بهانه انتقام از آنها برای مہب‌گذاری انتحاری مستفید می‌شدند.

یونپاث: نقش جزوتام عملیات روانی در میدان جنگ با داعش چه بود؟

تورن جنرال سعد العلق: این جزوتام با وجود جدیدالورود بودن وظیفه تخریب روحیه دشمن و انتشار شایعات در بین رده‌های آن را بر عهده

دارد. این جزوتام روایت‌های افراطی از گروپ‌های دهشت‌افگنی را شناسایی و آنها را برای عموم مردم افشا کرده است. این جزوتام دستاوردهای جزوتام‌های نظامی ما، به طور کلی، و بخش‌های اداره ما، مثلاً دستگیری عوامل دهشت‌افگن، متلاشی کردن سلول‌ها و توقیف گدام‌های سلاح، مهمات و مہب‌های انتحاری، را در رسانه‌ها منعکس کرده است. ما با کشف سایتهای اجتماعی و ارتباطی قوا و موسسات دشمن به تحلیل و مقابله با آنها پرداخته‌ایم و درباره وضعیت روانی دشمن معلومات کسب کرده‌ایم. جزوتام ما در مدت عملیات، نشریاتی را برای اعمال فشار روانی به تروریستان منتشر کرد و روحیه جنگجویان ما را با انتشار آهنگ‌هایی با موضوع وطن‌دوستی تقویت کرد. ما در زمینه ایجاد مصونیت روانی و نظامی در جنگجویان در برابر عملیات نظامی دشمن فعالیت کردیم. ما با ایجاد روابط با قوای دشمن توانستیم با مخاطب هدف رابطه دوستانه برقرار کنیم و از آنها بخواهیم که بر فراز خانه‌های خود بیرق نصب کنند. ما آنها را برای دور شدن از مواضع داعش که قرار بود مورد حمله قرار بگیرند، به سوی مکان‌های امن رهنمایی کردیم. ما پیام خود را به کمک لاود اسپیکرهایی با برد 5 کیلومتر به پشت سرحدات دشمن رساندیم.

یونپاث: نقش استخبارات نظامی در تامین امنیت انتخابات در مناطق آزاد شده چیست؟

تورن جنرال سعد العلق: اداره استخبارات نظامی با ارائه راپورهای استخباراتی دوره‌ای به «کمیسیون عالی امنیت» -مسئول نظارت بر انتخابات- نقش مهمی در حفظ امنیت انتخابات در مناطق آزاد شده داشت. در این راپورها ذکر شده بود که دشمن قصد دارد کدام مراکز انتخاباتی و نامزدهای سیاسی را هدف قرار دهد. ما وضعیت امنیت در ولایات آزاد شده را ارزیابی کردیم و با رهگیری سلول‌های غیرفعال منتظر از حرکت آزادانه دشمن جلوگیری کردیم. ما برای محافظت از مراکز رای‌گیری و رای‌دهندگان در مناطق شمالی بابل که وضعیت امنیتی مناسبی نداشتند، با «قوت وظایف اول» اداره استخبارات نظامی همکاری کردیم. ما تخلقات انتخاباتی، مخصوصاً افرادی که چندین ورقه رای در دست داشتند، را تعقیب کردیم و برخی از آنها را پس از دستگیر کردن تحویل مراجع قضایی دادیم. ♦

تعمیر صد مائت



تمرکز بالای حقوق مدنی و انکشاف اقتصادی منجر به ایجاد حس اتحاد در شهرهای آزاد شده از دست داعش خواهد شد

دکتر سعد الحیدری، پروفیسور علوم سیاسی، دانشگاه بغداد

دولت

عراق که سابقاً نخست وزیر دکتر حیدر العبادی اداره آن را برعهده داشت، مسئولیت شکل‌دهی به پالیسی امنیتی در مواجهه با شهروندان ساحاتی که قبلاً تحت کنترل سازمانهای دهشت‌افگنی بودند را برعهده گرفته است. منیحت قومندان اعلیٰ قوای مسلح، نخست وزیر العبادی ابتکار بازسازی مجدد اردو و سیستم امنیتی را بدست گرفته و ریفورمهای بزرگی را در قسمت دکترین جنگی، بازسازی و انتخاب مقامهای مؤثر و عادل جهت به دستگیری مسئولیت و قومندانی در مطابقت با ملاحظات کاملاً ملی، انجام داده است. ایشان همچنان با موارد مختلفی از فساد مبارزه کردند.

بازسازی اعتماد جامعه

در نتیجه این پالیسی، دولت حمایت مجدد ساکنین شهرهایی که نقش مهمی در جنگ در کنار قوای مسلح جهت آزادسازی شهرها با استفاده از قوای پولیس محلی و جنگجویان قبیلوی داشتند، را بدست آورده است. همچنین ساکنین این ساحات در تامین استخبارات درباره موقعیت و تحرکات عناصر دهشت‌افگنی، همکاری

عراقی‌ها در موصل برای رای دادن در انتخابات پارلمانی ماه می 2018 به خط ایستاده‌اند. دولت عراق قصد دارد تا مشروعیت دموکراتیک را در شهرهایی که قبلاً نریعه تروریستان اشغال شده بود بنا نماید. آسوشیند پرس

نمودند. احیای این شهرها تأثیر مستقیم در پیروزی بالای دهشت‌افگنی که در زمان بسیار کوتاه و با کمترین قربانی ممکن به دست آمد، داشت. به همین ترتیب در آزادسازی این ساحات، قوای عراقی نقش برجسته‌ای را

در جنگهای شهری با حفظ جان افراد ملکی و نجات آنها از عملیاتهای نظامی خطرناک ایفا کردند. پلان‌گذاران نظامی متوجه حضور دهها هزار افراد ملکی در مناطق مسکونی شدند. این موضوع بالای تحرک قوای آزادسازی و نوعیت سلاحهای مورد استفاده آنها، تأثیر گذاشت.

به این نیروها چندین بار دستور داده شد تا جهت نجات جان مردم، تامین امنیت و خروج آنها از میدان جنگ، پیشروی خود را متوقف کنند. پلانهای نظامی در مطابقت با اهداف عالیه نیروهای عراقی - در بیش از یک مورد جهت محافظت و آزادسازی افراد ملکی از دست تروریسم و محلات جنگی، تغییر کرد.

راه آینده

پیشبرد این پروژه موفق ملی نیازمند قبول منظر استراتژیک که ذریعه دولت نخست وزیر العبادی آغاز شده بود می‌باشد. تصامیم مهم و قدمهای جسورانه جهت عودت کامل همه بیجاشده‌گان به خانه‌هایشان، مسئولیت جامعه عراق و محافظت از آنها در برابر خطرات جنگ‌های داخلی و گرایش‌های فرقی که منافع ملی عراق را متلاشی کرده و همبستگی اقشار مختلف جامعه را از بین می‌برند، ضروری است.

این مسئولیت دولت بعدی است تا به مسیر دولت فعلی در قبال ساحات آزاد شده ادامه داده و یکپارچگی کامل اجتماعی جوانان و سایر منافع بنیادی عراق را تضمین نماید. زمانی که دولت مردم را بپذیرد و حقوق مدنی و سیاسی آنها را تضمین نماید، آنها بجای اینکه ابزار تفرقه گردند، وسیله‌ای برای اتحاد و همبستگی ملی می‌شوند.

این امر آنها را در مقابل نفوذ ایدیالوجی افراطی و گروه‌های دهشت افکن در جوامع، مسئول می‌سازد. این مسئولیت از طریق ایجاد ثبات در جوامع محلی، تضمین امنیت و بازسازی، اعمار دوباره زیرساخت‌ها، ارائه خدمات، رسیدن به انکشاف با ثبات، و جذب سرمایه‌گذاری و سکتور خصوصی به منظور ایجاد شغل و ساخت جوامع بدست می‌آید.

تطبیق یک برنامه جامع قرضه‌دهی به صنعتگران، بخش خصوصی و تاجران ضروری است. این پروگرام همچنین بشمول تشبثات کوچک و متوسط است که به کاهش بیکاری ذریعه تنظیم ورکشاپ‌های کسب عواید، جذب مثبت انرژی جوانان و سرمایه‌گذاری در ساخت و ساز، انکشاف و کار مثمر و علاقه مندی برای دستیابی به امنیت و ثبات در جوامع، کمک می‌کنند.

علاوه بر احیای جوانان در این مناطق، انکشاف و برجسته نمودن اصل شهروندی و تعلق ملی منجبت یک مفهوم فرهنگی برای همه عراقی‌ها ضروری است. جامعه مدنی باید مطابق به میکانیزم‌های دموکراتیک و براساس احترام به پلورالیسم، پذیرش تفاوت‌ها و همزیستی مصالحت آمیز با دیگران کار نماید. تفاوت دیدگاه باید با روشهای صلح آمیز و سیاسی اظهار گردد. باید به مردم نقش مرکزی در مدیریت سطوح امنیتی و اداری محلات‌شان داده شود. تأمین امنیت در شهرها و فراهم نمودن زمینه ثبات ذریعه فعال سازی اقتصاد و جذب بازار کار که منبع دایمی ثبات خواهد بود، برای آنها ضروری است.

برای تشویق رشد و سرمایه‌گذاری، عراق باید مجدداً به شهروندان این شهرها اطمینان دهد که آنها بخش اساسی ارگانهای دولتی بوده و در تأمین و دسترسی به امنیت و انکشاف در جوامع خود، شریک دولت محسوب میشوند. ♦

دکتر سعد الحدیثی، پروفیسور علوم سیاسی، دانشگاه بغداد، که به عنوان سخنگوی دولت سابق نخست وزیر العبادی فعالیت می‌کرد.

شماری از قوای عراقی جان خود را در راه محافظت و نجات افراد ملکی از مواد منفجره دست ساز، کمین‌ها و انداخت اسنایپر تروریستهای داعش فدا کردند.

توسعه امنیت در مناطق آزاد شده

از آنسو بعد از ختم عملیات‌های نظامی در هر شهر، دولت عراق به بازگرداندن افراد بیجا شده به ساحات مسکونی آغاز نمود. اجازه بازگشت به باشندگان فقط بعد از اطمینان از امنیت ساکنین، پاکسازی مواد منفجره و دیگر بقایای عملیات‌های نظامی از محلات داده شد.

دولت باید عجلاتا خدمات اساسی مانند آب، برق، مراکز صحتی و مکاتب را ارائه کرده، ادارات دولتی را بازگشایی نموده و مواد غذایی و نفتی را برای مردم و عودت‌کنندگان فراهم میکرد. این مساعی منجر به عودت بیشتر از 3 میلیون افراد بیجا شده به ساحات مسکونی آنها شد. و مساعی دولت در بازگرداندن باقی مردم بیجا شده ادامه دارد.

قدردانی عمومی

موفقیت‌های استراتژیک ذیل تحت شرایط استثنایی و طی چهار سال توسط دولت داکتر العبادی بدست آمده است:

- آزادسازی شهرها از دست تروریسم.
- موفقیت در از بین بردن فرقه‌گرایی.
- کوشش برای وحدت ملی در بین تمامی اقشار جامعه.
- از سرگیری نفوذ دولت در ساحات آزاد شده.

این نتایج نمایانگر تولد یک پروژه جدید ملی است که از سرحدات فرقه‌گرایی عبور کرده است. نخست وزیر حمایت شهروندان ولایات نینوا، انبار و صلاح الدین را جلب کرده و حدود یک بر سه کرسی‌های پارلمان را در این سه ولایت از آن خود نموده است.



اطفال عراقی بعد از شکست داعش در موصل به مکتب می‌روند. دولت برنامه‌هایی را جهت کمک به آنها برای مقابله با آسیب روحی اشغال اخیر فراهم کرده است. آژانس خبری فرانسه/تصاویر گتی

صدای پیروزی

در جریان نبرد قوای مسلح عراق برای آزادسازی عراق از شر دهشت‌افگنی، داستان‌های بسیاری از قهرمانی مردم عراق شکل گرفت. دنیا با نام بسیاری از مردانی که خود را با اقدامات قهرمانانه مطرح کردند، آشنا شد.

انتشار داستان‌های روحیه‌بخش پیروزی‌های نظامی -ضمن مقابله با دروغ‌های داعش- از وظایف یک قومندانان بود: برید جنرال قوای خاص جنرال یحیی رسول عبدا... الزبیدی، سخنگوی قرارگاه عملیات مشترک ترکیبی.

در هولناک‌ترین تنگناها، در میان تنش‌های جاده‌های عراق و دروغ‌های داعش در شبکه‌های اجتماعی، برید جنرال یحیی در پی برگشتاندن آرامش ذریعه برجسته کردن پیروزی‌های عراق و تشریح دستاوردهای نظامی بود.

برید جنرال یحیی با انتشار اسناد و عکسهای تاییدکننده پیروزی قوای مسلح عراق بر تروریستان، تبلیغات داعش را بی‌اعتبار کرد. کلام او مثل حملات هوایی یا بمباران توپچی بالای مخفیگاه تروریستان فرود آمد و توانایی داعش برای مقابله با رزمندگان او را کاهش داد.

برید جنرال یحیی در سال 1989 از کالج اول نظامی فارغ‌التحصیل شد و به مکتب قوای خاص پیوست. او به دلیل عملکرد چشمگیر در دوره قوای خاص من حیث مربی کوماندوها مقرر شد. بعد از 2003، او به صفت مامور استخبارات در «گارد ملی» مقرر شد و طی سالهای 2006 تا 2007 من حیث قومندان کندک در لوای 42 فرقه 11 پیاده خدمت کرد. وی در دوره تشدید خشونت‌های فرقی در بغداد مدت مسئول یکی از خطرناک‌ترین مناطق بود.

او اعتماد و اطمینان مردم را جلب کرد و مردم برای بیرون کردن افراد مجرم و ملیشه از حوزه مسئولیت یحیی، با قوای او همکاری کردند.

برید جنرال یحیی می‌گوید: «ایجاد امنیت در شهر بدون همکاری شهروندان ممکن نیست. به همین دلیل، من دیدارهای خانگی، رسیدگی به مشکلات شهروندان و دادن وعده خدمت‌رسانی هرچی بهتر را در دستور کار قرار دادم. من همچنین به عساکر دستور دادم تا با مردم محترمانه و مسلکی رفتار کنند و اجازه ندهند که فرقه‌گرایی وظایف روزانه آنها را که عمدتاً خدمت‌رسانی به فرقه‌های مختلف جامعه عراق بود، آلوده کند.»

وی از سال 2010 تا 2012 من حیث مدیر «دفتر سرمنشی» در وزارت دفاع مصروف کار بود



برید جنرال یحیی رسول

عبدا... الزبیدی عملیات

رسانه‌ای را برای شکست

دادن تبلیغات داعش

رهبری کرد

کارکنان یونینپاٹ

۹۹ ایجاد امنیت در شهر بدون همکاری شهروندان ممکن نیست. به همین دلیل، من دیدارهای خانگی، رسیدگی به مشکلات شهروندان و دادن وعده خدمت‌رسانی هرچی بهتر را در دستور کار قرار دادم. ۶۶

— برید جنرال یحیی رسول عبدا... الزبیدی

«بدین ترتیب توانستم اعتماد مردم عراق را جلب کنم و دروغ‌های تروریستان خونخوار را که مدعی ادامه نبرد در آن مناطق بودند، افشا کنم. کانفرنسی‌های خبری من در مقابل تعمیرهای دولتی در فلوجه و تکریت، تبلیغات آنها در توئیتر و فیس‌بوک را بی‌اثر کرد؛ ما اینجا، در صفحات شبکه‌های اجتماعی، در حال شکست دادن آنها هستیم.»

برید جنرال یحیی به وحدت مردم عراق و همزیستی مسالمت‌آمیز همه فرقه‌ها معتقد است. او می‌داند که مردم عراق طبیعتاً مردمی صلح‌طلب هستند و اختلافات فرقه‌ای را نمی‌پذیرند و از این دوره زمانی پیروز و متحد بیرون می‌آیند: «ما باید دوری از ایدئالوجی افراط‌گرایی را که داعش، فلاکت و ویرانی را برای عراق به همراه داشته است، به نسل بعد تعلیم دهیم. ما باید با ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز مانع ورود تروریسم به مساجد خود شویم. ما نباید اجازه دهیم که طرفداران ایدئالوجی‌های تروریستی از رسانه‌های اجتماعی یا دیگر چنل‌ها برای به خدمت گرفتن جوانان سوءاستفاده کنند. مردم عراق از دیرباز به سازگاری معتقد بوده‌اند. عراق خاستگاه قدیمی‌ترین تمدن‌ها بوده و بافت اجتماعی خود را حفظ کرده است. مجرمان افراط‌گرا نمی‌تواند با تمدنی به قدمت هزاران سال مقابله کنند.»

او همچنین بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه مقابله با دهشت‌افگنی تأکید کرد و از جامعه جهانی بخاطر حمایت از عراق ذریعه ارائه تعلیم، سلاح، حمایت هوایی و استخباراتی تشکر کرد.

«ما در عراق به نمایندگی از دنیای متمدن با دهشت‌افگنی می‌جنگیم چون [تروریستان] از آزادی و صلح نفرت دارند. من با همکارانم در ائتلاف بین‌المللی مداوم تماس -و رابطه سازنده- دارم.» این گفته برید جنرال یحیی است. «از آنجا که آفت دهشت‌افگنی در سرحدات کشور متوقف نمی‌شود، شکست دادن آن حتی با تکنولوژی و سلاح‌های پیشرفته کار فقط یک کشور نیست. ما برای مبارزه با دهشت‌افگنی به همکاری بین‌المللی ضرورت داریم.»

و در جریان مراجعات روزانه به «دفتر لوی درستیز» اردو و «دفتر وزیر دفاع» با مدیران ارشد در ارتباط بود. پذیرش مهمانان خاص، تجربه او را در زمینه کار با رسانه‌ها و مدیران ارشد و ایجاد روابط شخصی با افسران عراقی تقویت کرد. یحیی می‌گوید: «مایه افتخار من است که سر قومندان قوای مسلح من را به صفت سخنگوی قرارگاه عملیات مشترک ترکیبی انتخاب کرد. وی با وجود شلوغی پروگرام کاری، من را به دفتر خود فراخواند و من به مدت 15 دقیقه به سوالات موشکافانه او جواب دادم. قومندان کل در سخنان خود بر روی وطن‌دوستی، دوری از فرقه‌گرایی و [اهمیت] اعتبار در زمان انتقال معلومات به مردم تأکید کرد.

قومندان کل در ختم جلسه غیر تلفون شخصی خود را بر روی تکه‌ای کاغذ نوشت و از من خواست که در مواقع ضروری مستقیماً با خود او به تماس شوم. او گفت که خود او و مردم عراق برای ایفای این مسئولیت به من اعتماد کرده‌اند.»

برید جنرال یحیی کار دشوار بی‌اعتبار کردن تبلیغات گسترده داعش را آغاز کرد که در رسانه‌های اجتماعی غالب بودند و در جریان نبردهای شدید در جرف الصخر، تکریت، رمادی، فلوجه و خالديه از چنل‌های رسانه‌ای مشکوک استفاده می‌کردند. مردم عراق منتظر بودند تا او اخبار پیروزی‌های اردو و آزادسازی شهرها را به اطلاع آنها برساند.

«با وجود حضور داعش در صفحات رسانه‌های اجتماعی و نبردهای اطراف بغداد، توانستیم با تبلیغات گسترده آنها مقابله کنیم و با نشر معلومات مربوط به جریان درگیری‌ها، میلیون‌ها دنبال‌کننده در رسانه‌های اجتماعی جذب کنیم. من سعی کردم در جریان عملیات آزادسازی در شهر باشم و برافراشته شدن بیرق عراق بر فراز تعمیر را پیش از پخش شدن اخبار آن شاهد بودم. بر همین اساس توانستم خبر حضور قوای مسلح در شهر را اعلام کنم.» این گفته جنرال یحیی است.



تقویت مهارت‌های فرود قوای قطری

کارکنان یونیپاث

قوای قطری در حضور جمعی از مقامات بلند رتبه از جمله خالد بن محمد العطیه، وزیر دفاع، تسلط خود به مهارت تازه کسب شده انداخت امکانات از طیاره‌های نظامی C-17 و C-130 را به نمایش گذاشتند.

نمایش می 2018 مرحله پایانی مانور چهار- هفته‌ای بین پرسونل اردو و قوای هوایی قطر و هم‌تایان آمریکایی و ایتالیایی بود. این مانور بالای شیوه‌های سرهم کردن بسته و اتصال پاراشوت متمرکز بود تا قوای زمینی بتوانند امکانات حیاتی مثل سلاح، تیل و مواد غذایی را دریافت کنند.

افراد تخنیکی سیستم‌های انداخت قطر، معروف به «ریسمان گیرها» برای نمایش این مهارت‌ها، بیش از 100 بیلر فلزی 55 گیلنی پر از آب را در پایگاه هوایی العدید برای شبیه‌سازی انداخت تیل آماده کردند.

شین هیکس (Shane Hicks)، سرپرکمرقدمدار ارشد و قومندان تولى سرشته‌داری 824 اردوی ایالات متحده اظهار کرد: «ریسمان گیرهای قطری کار ما را مشاهده کردند و برای یادگیری و کسب مهارت به ما در تهیه بسته‌ها کمک کردند. قوای من

بارها را مشترکاً تفتیش کردند و به کار بارگیری آنها در طیاره و آماده‌سازی آنها برای پرواز کمک کردند.» در زیر خیمه‌ای در میان صحرا، مقامات وزارت دفاع قطر، به همراه دگرزال جفری هریگین، قومندان بخش هوایی قرارگاه مرکزی آمریکا از قوای هوایی ایالات متحده، شاهد افتادن 40 بسته از طیاره C-17 و 20 بسته از طیاره C-130 بودند. ناظران این نمایش موفق را ستایش کردند. یکی از اولویت‌های اردوی قطر، خودکفا شدن در زمینه انداخت امکانات از طیاره C-17 برای فراهم کردن امکان اجرای ماموریت‌های گسترده است.

هیکس عنوان کرد: «به نظر من، این عملیات پرتاب موفقیت‌آمیز بود. هیچ‌یک از پاراشوت‌ها دچار مشکل نشد و همه امکانات به سلامت برای حمایه از جنگجویان به زمین رسیدند.»

منبع: اردوی ایالات متحده

قوای قطر و ایالات متحده 40 بسته را به شکل نمایشی از طیاره به پایین انداختند.

خورد ضابط ارکان شارلوت ریویس (CHARLOTTE REAVIS)، اردوی ایالات متحده



فعال شدن

بندر ستراتیژیک

ترکمنستان

کارکنان یونیپاث

ترکمنستان با هدف تبدیل شدن به کانون ستراتیژیک تجارتی و ترانسپورتی بین آسیا و اروپا، یکی از بندرهای مهم خود را در ماه می 2018 در شهر ترکمنباشی در بحر خزر فعال کرد.

قربان‌قلی بردی‌محمدوف، رئیس جمهور ترکمنستان، در جریان سخنرانی در مراسم افتتاح اظهار کرد که این بندر دسترسی بحری به منطقه بحری سیاه، اروپا، شرق میانه، جنوب آسیا و آسیا-پاسیفیک را آسان‌تر خواهد کرد.

وی افزود که این بندر زمینه‌ساز ایجاد «ارتباط با سیستم بین‌المللی روابط اقتصادی و تقویت نقش ترکمنستان من حیث مرکز مهم ارتباطات ترانزیتی» خواهد بود. بردی‌محمدوف آمادگی کشورش برای بحث درباره استفاده همسایگان بدون بحر، یعنی ازبکستان و افغانستان، از این بندر را اعلام کرد.

این بندر 1.5 میلیارد دالری تقریباً 2 کیلومتر طول دارد و می‌تواند همزمان 17 کشتی را در خود جای دهد. ظرفیت تخمینی سالانه آن 300,000 مسافر، 75,000 تیلر و 400,000 کانتینر حمل بار است.

ترکمنستان که از نظر اقتصادی به صادرات گاز طبیعی وابسته است، این بندر دریای خزر را ابزاری برای تقویت توریزم، انکشاف صنعتی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌داند.

منابع: خبرگزاری Trend، آذرتاس، ترکمن پورتال، Turkmenistan.ru



پاکسازی قرقیزستان از کثافات رادیواکتیو

کارکنان یونپات



مردم قریه قرقیز در حال یافتن مواد معدنی در توده اورانیوم، یکی از ده‌ها مرکز کثافات رادیواکتیو در کشور. آژانس خبری فرانسه/تصاویر گتی

مبلغی معادل 19.4 میلیون دالر به این امر اختصاص دهد. بودیجه بیشتری ضرور است: این کشور برای جلب هرچه بیشتر کمک‌های بین‌المللی، قصد دارد در سپتامبر 2018 قطعنامه‌ای را تسلیم شورای عمومی سازمان ملل کند. پنج کشور آسیای مرکزی، به عنوان امضاکنندگان «پیمان منطقه عاری از سلاح هستوی» بر سر «خودداری از تحقیق، انکشاف، ساخت، انباشت، تهیه، خرید یا تصرف سلاح‌های هستوی یا دیگر مواد منفجره هستوی یا اجرای آزمایش‌های هستوی» به توافق رسیده‌اند.

منابع: 24.kg، Azattyk، چنل تشبث آتامکن، IAEA.org، Armscontrol.org

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، هر پنج کشور آسیای مرکزی -قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان- خود را متعهد به جلوگیری از گسترش مواد هستوی، معدوم کردن سلاح‌های هستوی و همکاری با قراردادهای تسلیحاتی بین‌المللی کردند.

پروسه حذف بقایای صنعت تسلیحات هستوی تا امروز ادامه دارد. در ماه می 2018، قرقیزستان یک کانفرانس بین‌المللی را برای محافظت از معادن سابق اورانیوم در آسیای مرکزی و کاهش خطرهای کثافات رادیواکتیو برای صحت عامه برگزار کرد.

میشله ریواسی (Michele Rivasi)، نماینده اتحادیه اروپا، که از طرف قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان صحبت می‌کرد، کمک جامعه بین‌المللی برای پاکسازی کثافات اورانیوم از این کشورها را تقاضا کرد. به گفته ریواسی، اگر مواد رادیواکتیو و دیگر مواد کیمیاوی سمی مراکز اورانیوم قرقیزستان و دیگر مناطق به رودخانه‌های مجاور برسد، وضعیت بسیار خطرناکی شکل خواهد گرفت.

وزارت اوضاع عاجلی قرقیزستان لستی از 92 مرکز حاوی مواد سمی و رادیواکتیو در این کشور تهیه کرده است. 36 مورد از این مراکز در شهر مایلو-سو قرار دارند و 23 مورد از آنها حاوی اورانیوم هستند. لیک شدن مواد رادیواکتیو به آبراهه‌ها ذریعه رانش زمین یا دیگر بلایای طبیعی، ممکن است جان میلیون‌ها تن از مردم دره پرنفوس فرغانه را به خطر بیندازد.

در سال 2017، قرقیزستان برای پاکسازی چندین مرکز اورانیوم، قراردادی را با «بانک بازسازی و انکشاف اروپا» منعقد کرد. اتحادیه اروپا تعهد کرد که در ابتدا

اردن، میزبان رویداد سالانه سلحشوران

کارکنان یونپات

نزدیکی عمان ساخته شده است، از مکان‌های تهرینی مورد علاقه قوای خاص، به خصوص قوای اهل شرق میانه یا فعال در آن است. این تهرین بالای عملیات ضد تروریسم متمرکز است. این رویداد به قدری جامع است که جزو تاه‌های نظامی، ملیشه و مجری قانون در آن اشتراک می‌کنند.

مراسم خاتمه این مسابقه با حضور تورن جنرال Mohammad Sabaileh، سرمفتش نظامی قوای مسلح اردن، و دگروال اسامه الذوبی، مدیر کل KASOTC برگزار شد.

منابع: خبرگزاری اردن-پترا، Army Recognition، گروپ اطلاع‌رسانی Jane

روز رقابت، تعداد گروپ‌های اشتراک کننده به 15 رسید و گروپ‌های متباقی به «چلنج شاه» در روز خاتمه رسیدند.

این چلنج، مانوری 45 دقیقه‌ای در شرایط زمینی دشوار بود که اشتراک‌کنندگان باید به عبور از موانع، بلند کردن اجسام سنگین و فیر و انداخت به اهداف می‌پرداختند.

اشتراک‌کنندگان از کشورهایی مثل اردن، قزاقستان، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ایالات متحده بودند. KASOTC، مجموعه‌ای زیبا و چند-میلیون دالری که در داخل یک معدن سنگ قدیمی در

«مسابقه سالانه سلحشوران» اردن 2018 با پیروزی گروپ Black Panthers SWAT از قوای امنیت داخلی لبنان پایان یافت. در این مسابقه 9 روزه 40 گروپ عملیات خاص از سراسر دنیا تخنیک‌های خود را به نمایش گذاشتند.

این رویداد سالانه -که آزمونی برای مهارت‌های فردی و گروپی مثل فیر و انداخت، نجات گروگان، فرود با ریسمان و حملات مسلحانه است- از 29 آپریل تا 7 می در «مرکز تعلیم عملیات خاص سلطان عباد... دوم» (KASOTC) در اردن برگزار شد.

گروپ Black Panthers در سال 2016 نیز موفق به کسب جایزه برتر شده بود. پس از چندین



حملات هوایی افغانستان به لابراتورهای تولید هرویین

کارکنان یونپاث

مرد افغانستانی در حال
جمع‌آوری کوکنار خام در
آوریل 2018. این ماده
مخدر، که ماده اولیه
هرویین است، به بقای
تروریزم در این کشور
کمک می‌کند. آسوشیند پرس

طیاره ائتلاف در افغانستان با به کار بستن درسهای به دست آمده از جنگ با داعش در عراق، حمله به لابراتورهای تولید مواد مخدر و دیگر منابع غیرقانونی عواید را که منبع تمویل طالبان هستند، آغاز کرده است. پیلوت‌های ایالات متحده و افغانستان ده‌ها لابراتوار تولید هرویین را که تقریباً منبع تمویل صدها میلیون دالری تروریست‌ها برای خرید سلاح و اجیر کردن قوای انسانی هستند، هدف قرار دادند.

«طالبان دیگر پناهگاه امنی نخواهد داشت. ما به تخریب شبکه‌های

آنها و تضعیف توانایی آنها در تهیه مواد مخدر ادامه خواهیم داد». این گفته جیمز هکر (James Hecker)، تورن جنرال قوای هوایی ایالات متحده و قومندان قوت وظایف خاص اعزامی نهم هوا و فضا-افغانستان است. «این سازمان جنایتکار از فروش مواد مخدر کسب عواید می‌کند و از این عواید برای کشت و ناقص کردن مردم افغانستان استفاده می‌کند. با قطع منبع عواید طالبان، توانایی آنها در تداوم این فعالیت‌های دهشت‌افگنی کاهش پیدا می‌کند.»

ائتلاف از مفکوره‌ای که موثریت آن در برابر داعش ثابت شده است، مستفید می‌شود. طیاره‌ها در عراق و سوریه تصفیه‌خانه‌ها و تیلرهای حمل تیل تحت کنترل داعش را که نقش مهمی در حمایت از فعالیت‌های دهشت‌افگانه این گروه داشتند، منهدم کردند.

در افغانستان، این نوع حملات هوایی علاوه بر لابراتوارها شامل پوسته‌های تفتیش جاده‌ای که از آنها برای گرفتن عوارض از عابران استفاده می‌شد، نیز شده است. قومندانان افغانستان و ایالات متحده اعلام کردند که ممکن است حملات هوایی را به عملیات معدن، که دیگر منبع عواید تروریست‌ها محسوب می‌شود، گسترش دهند. کشت کوکنار، با وجود مساعی که برای متوقف کردن آن صورت گرفته است، در سال 2017 به سطح بی‌سابقه‌ای رسید و زمینه را برای ورود هرویین بیشتر به بازارهای جهانی فراهم کرد. ولی ائتلاف مصمم است که اجازه استفاده از این تجارت غیرقانونی را به تروریست‌ها ندهد.

ما به همکاری با قوای امنیتی افغانستان ادامه می‌دهیم و در این زمینه پیام روشنی برای طالبان داریم: آنها در این نبرد پیروز نخواهند شد. این گفته جنرال هکر است. «تنها راه دستیابی آنها به راهکار مسالمت‌آمیز،

مذاکره برای آشتی با دولت وحدت ملی است.» منابع: Military Times، گاردین، وال استریت ژورنال

ملوانان پاکستانی ماهیگیران هندی را نجات دادند

کارکنان یونپاث

«عالمگیر»، کشتی جنگی پاکستانی، قایق ماهیگیری هندی را که در آوریل 2018 در خلیج عدن دچار مشکل شده بود، نجات داد. این کشتی در قالب «قوای بحری مشترک» مأموریت‌های امنیتی فراوانی در منطقه اجرا کرده است. قایق ماهیگیری هندی با 21 خدمه از بندر کلاچل هند حرکت کرده بود و در آبهای آزاد در نزدیکی صلاله همان، به دلیل از کار افتادن ماشین، به مدت هشت روز سرگردان بود.

«عالمگیر» برای ترمیم کردن ماشین قایق و راهی کردن آن در مسیر مورد نظر، وارد عمل شد. ماهیگیران پس از چند روز سرگردانی دچار کم‌آبی شده بودند و به خدمات طبی خدمه پاکستانی ضرورت داشتند.

ناخدا و خدمه قایق هندی در حالی که راهی وطن بودند، با فریاد «پاکستان زنده باد» تشکر خود را از خدمه پاکستانی ابراز کردند. کشتی‌های قوای بحری پاکستان نقش مهمی در قوت‌های وظایف خاص‌های مشترک 150 و 151 دارند و جزو قوای بحری مشترک مستقر در بحرین هستند.

این عملیات گرمه بحری چند-ملیتی برای مقابله با دزدی بحری، تروریزم و دیگر جرایم بحری از خلیج عدن و دریای سیاه تا خلیج فارس و اقیانوس هند پلان‌گذاری شده است.

«عالمگیر» با برخورداری از 15 افسر، 190 کشتی‌بان و فضای مخصوص دو بال هلیکوپتر، از زمان شروع فعالیت در سال 2011 عملکرد شایسته‌ای در قوت وظایف خاص داشته است.

منابع: Pakistan Today، قوای بحری مشترک



گشایش مرکز اردوی ملکی در جنوب لبنان

کارکنان یونپاٹ



حضور اعضای قوای مسلح لبنان و UNIFIL در مراسم افتتاحیه مرکز جدید همکاری اردوی ملکی منطقوی در لبنان. UNIFIL

قوای مسلح لبنان در ماه می 2018 اقدام به افتتاح «مرکز اردوی ملکی» (CIMIC) در نزدیکی مرجعیون کردند. در این مرکز عساکر می‌توانند خدمات تعلیمی، صحتی، زیست‌محیطی و بشردوستانه به مردم یک-سوم جنوبی کشور ارائه کنند. این مرکز -یکی از سه مرکزی که در کشور برای ترویج صلح و ثبات دایر شده است- به کمک «قوای موقت سازمان ملل در لبنان» (UNIFIL) و دولت هسپانیه ساخته شده است.

رئیس لبنانی CIMIC، برید جنرال ارشد الی ابی راشد (Elie Abi Rached) به گسترش همکاری با حافظان صلح UNIFIL ابراز علاقه کرد. وی در مراسم افتتاحیه مرکز اظهار کرد:

«ما قصد داریم پلان‌های بسیاری را برای تقویت روابط با قوای مسلح لبنان و مردم جنوب لبنان اجرا کنیم.»

پرنیل دالر کاردل (Pernille Dahler Kardel) هماهنگ‌کننده خاص موقت سازمان ملل در لبنان اعلام کرد که فعالیت این مرکز جدید نشان می‌دهد که دولت مرکزی لبنان تسلط بیشتری به جنوب لبنان یافته است.

وی افزود: «پلان‌هایی از این دست از قابلیت ایجاد تحول حیاتی در پروسه حفظ امنیت، ثبات و تمامیت ارضی لبنان برخوردار است. سازمان ملل به حمایت از این اهداف حیاتی ادامه می‌دهد.»

UNIFIL از سال 2006 اقدام به اجرای پلان‌های کمک‌رسانی اجتماعی در لبنان کرده است و از سال 2008 اردوی لبنان را در اقدامات CIMIC شریک کرده است. UNIFIL در جریان یک دهه مبلغ 45 میلیون دالر برای اجرای 3,400 پلان صرف کرده است. از این پلان‌ها می‌توان به ساخت کلینیک، کاشت درخت و توزیع خریطه‌های کتاب بین متعلمین اشاره کرد. منبع: UNIFIL

حمایت آسیای مرکزی از صلح در افغانستان

کارکنان یونپاٹ

نمایندگان بیش از 20 کشور از پروسه استقرار صلح در افغانستان بین دولت کابل و طالبان ابراز حمایت کردند.

درخواست مذاکره در کانفرانس تاشکند، ازبکستان، در مارچ 2018 مطرح شد. این درخواست حمایت کشورهای آسیای مرکزی و نیز اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان، سازمان ملل، اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا را به دنبال داشت.

در این راه یک مشکل اساسی وجود دارد: طالبان پیشنهاد صلح را نپذیرفت و بر ادامه فعالیت‌های دهشت‌آفگانه علیه جامعه افغانستان اصرار کرد.

حاضران در کانفرانس تاشکند توافق کردند که پروسه آشتی افغانستان، به همراه عملیات مقابله با تروریسم و مواد مخدر، برای بازگرداندن صلح و رفاه به این کشور ضروری است. امضاکنندگان اعلامیه مشترک از طالبان درخواست کردند که «این پیشنهاد صلح را که مدیریت و مالکیت آن متعلق به افغانستان است، بپذیرد.»

پیش از شروع این کانفرانس، رئیس‌جمهور غنی از فعال شدن طالبان در قالب یک حزب سیاسی اعلام حمایت کرد و تعهد کرد که در صورت پیوستن طالبان به دولت در پروسه مذاکرات صلح، تحریم‌ها علیه طالبان را لغو کند.

کانفرانس تاشکند با وجود این که بدون دستاورد چشمگیر خاتمه یافت، ولی چهره ازبکستان را منحصراً بازیگر دیپلماتیک در آسیای مرکزی مطرح کرد. شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهوری ازبکستان، اعلام کرد که ازبکستان می‌تواند در صورت ضرورت میزبان مذاکرات صلح بین احزاب افغانستان باشد. ازبکستان، به همراه دیگر کشورهای آسیای مرکزی، از تعهد خود به وارد کردن افغانستان در روابط تجارتي منطقوی و تقویت پیوندهای اقتصادی مشترک خبر دادند.

منابع: UzReport, Afghanistan.ru, Uza, Podrobno.uz, Mir24, رادیو آزادی اروپا/رادیو آزادی



CENTCOM

میزبان افطار

نان شب

کارکنان یونیپاث

جنرال جوزف ووتل، قومندان قرارگاه مرکزی ایالات متحده، در رمضان 2018 در یک مراسم افطار از نمایندگان ملی ارشد مسلمان (SNR) پذیرایی کرد. بیش از 20 افسر دعوت جنرال ووتل برای حضور در مهمانی رسمی شام در 30 می در ساختمان قرارگاه مرکزی ایالات متحده در تامپا، فلوریدا، را پذیرفتند.

از این افراد می‌توان به 11 نماینده ارشد از عربستان سعودی، پاکستان، اردن، یمن، قرقیزستان، مصر، امارات متحده عربی، ترکیه، جیبوتی و مراکش اشاره کرد.

چندین تن از جنرال‌ها و افسران بیرق ائتلاف نیز در مراسم شام افطار حضور داشتند. این مراسم را مرکز هماهنگی ائتلاف در هیات استراتژی، پلان‌گذاری و پالیسی قرارگاه مرکزی ایالات متحده ترتیب داده بود.

همکاری مصر با کشورهای خلیج فارس

کارکنان یونیپاث

مصر در آوریل 2018 دو مانور مستقل با کشورهای حوزه خلیج فارس برگزار کرد. «خلیفه 3» مانوری دوجانبه بود که در اوایل آوریل با حضور قوای بحری و هوایی امارات متحده عربی (UAE) اجرا شد. «خلیفه 3» مانوری دوجانبه بود که در اوایل آوریل با حضور قوای بحری و هوایی امارات متحده عربی (UAE) اجرا شد.

دگروال تامر الرفاعی، سخنگوی اردوی مصر، اعلام کرد که هدف 'خلیفه 3' بهبود روابط نظامی بین مصر و امارات متحده عربی ذریعه «تقویت مهارت‌های قومندانان و افسران در زمینه حفظ کارآیی جنگی و استندردسازی مفاهیم عملیاتی» بود.

در همان ماه آوریل، گروهی از قوای خاص مصر برای اشتراک در مانور «خالد ابن ولید 2018» عازم بحرین شدند. قوای مصری و بحرینی ذریعه تعلیم و تمرین به مرور تخنیک‌های مبارزه با تروریسم، نجات گروگان و هجوم به تعمیر پرداختند.

بحرین همانند امارات متحده عربی برای تقویت آمادگی قوا به کمک کشورهای همسایه، در حال هماهنگ‌سازی روابط نظامی خود با مصر است. بحرین از مصر بخاطر تعلیم بسیاری از افسران بحرینی در کالج‌ها و موسسات نظامی مصر تشکر کرد.

در مقاله‌ای در Egypt Today عنوان شده بود: «هدف این تمرین‌ها، دستیابی به بالاترین سطح کارآمدی و آمادگی برای مقابله با خطرهای احتمالی تهدیدکننده امنیت و ثبات منطقه است.»

در جریان مانور خالد ابن ولید، دگرجنرال ذیاب بن صقر النعیمی، رئیس ارکان اردوی بحرین، با دگرجنرال مصطفی شوکت، رئیس کوماندوهای مصری، درباره همکاری‌های نظامی گفتگو کرد.

منابع: Egypt Today اهرام آنلاین، خبرگزاری بحرین

نگاه نو ازبکستان به حقوق بشر

کارکنان یونیپات

شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهوری ازبکستان، وعده‌هایی برای بهبود وضعیت حقوق بشر، کاهش محدودیت‌های سفر و جوابدهی هرچه بیشتر دولت در مقابل شهروندان داده است. «دیده‌بان حقوق بشر»، گروه حمایتی مستقر در نیویورک، برای اولین بار جریان هفت سال گذشته نمایندگانی را برای مصاحبه با مسئولان دولت، فعالان جامعه مدنی، محبوسین سابق و شهروندان عادی راهی ازبکستان کرد. این گروه از بهبود آزادی‌های خبرنگاران، شخصیت‌های مذهبی و گروه‌های مخالف ازبکستان خبر داده است.

«خانه آزادی»، یکی دیگر از سازمان‌های مروج مردم‌سالاری، ازبکستان را بخاطر کاهش سختگیری‌ها بر رسانه‌ها و فراهم کردن زمینه انتقاد عمومی از مسئولان دولت ستود. در همین راستا، رئیس‌جمهور میرضیایف شبکه‌ای از مراکز پذیرش دولتی در سطح ازبکستان برای رسیدگی به شکایات شهروندان دایر کرده است.

دولت ازبکستان برای گسترش آزادی در این کشور، اقدام به لغو ضرورت ویزه برای سفر به 16 کشور، ساده کردن سفر به ازبکستان و پلان‌گذاری برای آسان کردن پروسه دریافت روادید توریستی برای 39 کشور دیگر کرده است. از سال 2019، مقامات ضرورت دریافت ویزه خروج را که اغلب مانع خروج مردم ازبکستان بدون جواز رسمی می‌شد، لغو خواهند کرد. ازبکستان همچنین در حال بهسازی محیط تشبث ذریعه مبارزه با فساد است که در این زمینه تحسین بانک جهانی را برانگیخته است.

منابع: Azattyq، رویترز، Gazeta.uz، دیده‌بان حقوق بشر، رادیو آزادی اروپا/رادیو آزادی



شوکت
میرضیایف،
رئیس‌جمهوری
ازبکستان



تاجیکستان و ازبکستان از اکتوبر برای ماین پاکي همکاری می‌کنند

کارکنان یونیپات

تاجیکستان و ازبکستان پروسه پاکسازی ماین در مرکز مشترک را با هدف کاهش سوانح مرگبار و افزایش مساحت زمین‌های بارور شروع کرده‌اند. بخش‌های مختلفی از سرحد 1,300 کیلومتری تاجیکستان-ازبکستان در خاتمه دهه 90 میلادی به دستور دولت ازبکستان ماین‌گذاری شد تا از

انجینران ماین پاکي در
کانفرانس سازمان ملل خبر
کشف ماین‌های زمینی در
تاجیکستان را اعلام کردند.
تاجیکستان و ازبکستان برای
ماین پاکي از سرحدات خود به
توافق رسیده‌اند. رویترز

نفوذ ملیشه‌های گروه تروریستی «جنبش اسلامی ازبکستان» جلوگیری شود.

بنا به راپور منابع غیررسمی، مساحت کل مناطق ماین‌گذاری شده 9.5 کیلومتر مربع است. در جریان 18 سال گذشته، 474 تن بر اثر انفجار ماین کشته و تعداد بسیار بیشتری مجروح شده‌اند. پنجاه و چهار بخش از منطقه سرحدی به دلیل وجود حدود 11,000 قطعه ماین خطرناک مانده است.

با مساعی سازمانهایی مثل «سازمان امنیت و همکاری اروپا»، حدود 16 کیلومتر مربع از مناطق سرحدی تا می 2018 ماین‌زدایی شده است؛ پروسه‌ای که تهدید 56,000 قطعه ماین و 41 کیلوگرام ماده منفجره را برطرف کرده است.

قرارداد ماین پاکي نتیجه کانفرانس 2017 بین امام‌قلی رحمانف، رئیس‌جمهوری تاجیکستان و شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهوری ازبکستان است. هر دو کشور از هزاران هکتار زمین پاکسازی شده برای زراعت و تغذیه مواشی استفاده خواهند کرد.

منابع: فرغانه نیوز، Regnum، Ozodlik، EurAsia Daily، Centrasia.ru



تمرین آلودگی‌زدایی هستوی در کویت

کارکنان یونپاث

تیلر آلوده به اشعه‌های احتمالاً خطرناک کنجکاوای قوای کویتی و آمریکایی را در سناریویی که در آپریل 2018 در صحرای کویت اجرا شد، جلب کرد.

مانور سلاح‌های کشتار جمعی فعالیتی جدی بود که در آن باید از لباس‌های محافظ و پروسیجرهای سختگیرانه آلودگی‌زدایی استفاده می‌شد. این مانور بخشی از فعالیت گسترده‌تر چند-ملیتی درباره مقابله با حملات کیمیای، زیستی، رادیولوژیکی و هستوی بود. این مانور 45 تن از اعضای کدک سلاح‌های کشتار جمعی قوای زمینی کویت و تولی کیمیای 300 اردوی ایالات متحده را گرد هم آورد.

لومری بریدمن نواف العوادی، دستیار قومندان تعلیم در کدک کویتی، این مانور را فرصتی مناسب برای تبادل تخیک‌ها و تجربیات با هم‌تایان آمریکایی دانست.

لومری بریدمن العوادی اظهار کرد: «به نظر من، در جزییات شیوه آلودگی‌زدایی ما تفاوت‌هایی وجود دارد و ما باید این جزییات را بشناسیم تا بتوانیم در موقعیت‌های واقعی با یکدیگر همکاری کنیم.

همکاری روابط ما را مستحکم‌تر و ما را در میدان نبرد قدرتمندتر می‌کند. کار گروهی همه چیز را ساده‌تر می‌کند.»

قوا برای اجرای مانور با تیلر آلوده به مواد رادیولوژی، زمانی طولانی را صرف تقویت توانایی‌های خود در زمینه پوشیدن و خارج کردن لباس‌های محافظ و استفاده از پمپ‌های آلودگی‌زدایی کردند.

لومری بریدمن یارد شواب (Jared Schwab) از ایالات متحده اظهار کرد: «آنها توانستند موثر را تا سطحی که امکان حفظ توانایی نبرد فراهم شود، پاکسازی کنند و عساکر توانستند توانایی خود در تعویض تجهیزات محافظ و برگشت به میدان نبرد را به نمایش بگذارند.

مانور مشترک امروز مبنای مناسبی برای رویدادهای تعلیمی آینده فراهم کرد. ما با گروه راهنمایی برای تدوین این سناریو همکاری کردیم و برای ارزیابی میزان توانایی خود در دستیابی به اهداف مشترک آینده، در صورت حضور در موقعیت‌های واقعی، با آنها همکاری کردیم.» منبع: اردوی ایالات متحده

عبور بار افغانستان از قزاقستان

کارکنان یونپاث

قزاقستان برای استفاده از بندرهای خزری کوریک و اکتاو این کشور آسیای مرکزی منحیث نقاط ترانزیتی بارهای ملکی به افغانستان با ناتو قرارداد منعقد کرده است. این قرارداد در واقع اصلحیه قرارداد بسته شدن بین ناتو و قزاقستان در سال 2010 است. ناتو مایل به استفاده از مسیرهای بدیل برای دوری جستن از بخش‌هایی از پاکستان بود که از نظر این اتحادیه فاقد ثبات کافی هستند. در بیانیه کمیسیون روابط خارجی، دفاع و امنیت سنای قزاقستان به این مساله اشاره شده است.

ناتو باید بارها را از مسیر بحر خزر از آذربایجان به قزاقستان برساند و سپس با قطار به ازبکستان و افغانستان منتقل کند.

غیرت عبدالرحمانف، وزیر خارجه قزاقستان، تاکید کرد که این قرارداد منافع این کشور منحیث شریک استراتژیک ایالات متحده در مسیر ایجاد ثبات در افغانستان را حفظ می‌کند.

وی افزود: «قزاقستان آماده ارائه هر قسم کمک به قوای ائتلاف ضد تروریسم و کشورهای حامی صلح، ثبات و انکشاف پایدار افغانستان است.»

بنا به راپور وزارت سرمایه‌گذاری و انکشاف قزاقستان، حدود 13,000 تن بار ذریعه قزاقستان به افغانستان منتقل شده است. مقامات قزاقستان اعلام کردند که قرارداد با ناتو به انکشاف تهداب‌های ترانسپورتی و تدارکات این کشور کمک خواهد کرد.

منابع: رادیو آزادی اروپا/رادیو آزادی، یوراسیانت، چنل تجاری آتامکن، کاسپین نیوز، خبرگزاری ترند



خبر صلیب ارکان نیا و پلاطون / اردوی ایالات متحده

افزایش تعداد قوای اعزامی امارات به افغانستان

کارکنان یونپاث

امارات متحده عربی (UAE) که جزو ائتلاف 39 کشوری مبارزه با تروریسم خواهان بی‌ثبات کردن افغانستان است، حضور نظامی خود در افغانستان را تقویت کرده است. در بیشتر سالهای دهه گذشته، امارات متحده عربی حدود 200 عسکر در افغانستان مستقر کرده بود ولی به تازگی اقدام به اعزام قوای بیشتر برای تعلیم قوای نخبه افغانستان و حمایت از ماموریت‌های ضد دهشت‌افگنی کرده است. بعضی از قوای اماراتی در مراکز ناتو مستقر خواهند شد. این ائتلاف، که بخشی از ماموریت «حمایت قاطع» به رهبری ناتو است، طالبان را برای تسلیم شدن، محکوم کردن تروریسم و مذاکره برای انعقاد قرارداد صلح با دولت افغانستان در کابل تحت فشار گذاشته است.

اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان، اقدام به تقویت روابط با کشورهای شرق میانه و اسلامی کرده است و استقرار قوای اماراتی - به همراه افزایش قوای قطری در آینده - بخشی از این تعهد دیپلماتیک است. منبع: رویترز

اتحاد پولیس برای مبارزه با مواد مخدر

کارکنان یونپاث

قوای پولیس عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (UAE) صدها میلیون دالر مواد مخدر غیرمجاز را توقیف کردند. این رویداد نشان دهنده اهمیت همکاری چند-ملیتی برای حفظ نظم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.

قوای مبارزه با مواد مخدر این کشورها در نیمه اول سال 2018 حداقل چهار عملیات بزرگ قاچاق مواد مخدر و در سال 2017 موارد بسیاری از قاچاق مواد مخدر را خنثی کردند. محموله‌های توقیف شده شامل چرس، سیگرتی، هرویین و تابلت‌های آمفتامین به نام «کاپتاگون» بوده است.

سخت‌گیری دولت عربستان سعودی اعلام کرد: «قوای سرحدی برای مقابله با اقدامات تضعیف‌کننده امنیت در کار خود سستی نخواهند کرد. با مظنونان به شکل شایسته و بر بنیاد قانون برخورد خواهد شد.»

سنت دریانوردی عمان، به همراه خط ساحلی 1700 کیلومتری آن، گزیه برای یافتن قاچاقچیان را به چلنجی دوام دار تبدیل کرده است. از نقاط رایج برای تحویل بسته‌های مواد مخدر می‌توان به آبهای بین‌المللی نزدیک شهرهای ساحلی مثل دقم، صلاله و صور اشاره کرد. قایق‌های ماهیگیری متعلق به گروپ‌های جرمی مواد مخدر را به ساحل می‌رسانند.

برای جابجایی مواد مخدر از مسیرهای زمینی یمن نیز استفاده می‌شود. مثلاً، در جون 2018 په‌ره داران سعودی در مناطق جیزان، نجران و عسیر که هم-سرحد یمن هستند، نیم تن چرس کشف کردند. دیگر مسیرها ذریعه عمان و یمن به امارات می‌رسد. برای کشف هرچه بیشتر مواد مخدر، مقامات عمان تهیدات امنیتی را در بندرها، میدان‌های هوایی و گذرگاه‌های سرحدی تشدید کرده‌اند. برای موثر بودن، این اقدامات به تقویت ارتباطات با همکاران عربستانی و اماراتی ضرورت دارند.

سخت‌گیری کمیته ملی مبارزه با مواد مخدر و مواد سایکوتراپیک عمان اعلام کرد: «بهترین راه گزیه بحری است ولی پر عاید بودن این صنعت باعث می‌شود که قاچاقچیان مواد مخدر دست از این کار نکنند.»

در سال 2017، عمان که با مشکل رواج اعتیاد بین جوانان مواجه شده بود، دست به اجرای کمپاین ملی اطلاع‌رسانی درباره خطرهای مصرف مواد مخدر در مکاتب و دانشگاه‌ها زد. شعار این کمپاین «زندگی زیباست - آن را با مواد مخدر تباہ نکنیم» بود.

منبع: The National



به اشتراک گذاری آگاهی‌ها

یونپات مجله‌ای است که بصورت مجانی در اختیار
آنان که با مسائل امنیتی در شرق میانه و
آسیای میانه و جنوبی سروکار
دارند، قرار داده می‌شود.

درمجله یونپات سهم بگیرید

همه نظریات حکایوی، نامه به مدیر مسئول، مقالات حاوی نظریات، عکس‌ها، و دیگر مسائل را به دفتر مدیریت مسئول یونپات به آدرس الکترونیکی CENTCOM.UNIPATH@MAIL.MIL بفرستید.

چگونگی مراتب ارسال

- ترجیح داده می‌شود تا محتوای متن به لسان مادری‌تان باشد. یونپات مسئول ترجمه مطالب می‌باشد.
- مقالات نباید از مرز 1500 لغت بگذرد.
- لطفاً شرح حال مختصر و معلومات در مورد چگونگی تماس با خودتان را ضمیمه هر مطلب ارسالی نمائید.
- حجم دیجیتالی عکس باید حداقل 1 مگا بایت باشد.

حق

مؤلفین مطالب حق تصاحب آنرا دارند. مع الوصف، ما حق تعدیلات در مقالات را به منظور جا دادن و پیرایش سبک آن را محفوظ نگه میداریم. ارسال مقالات متضمن طبع و نشر آن نمی‌باشد. با یاری رسانیدن به یونپات شما با این شرایط موافقت می‌نمائید.

برای اشتراک مجانی
به آدرس زیر به ما ایمیل بزنید:
CENTCOM.UNIPATH@MAIL.MIL

به این آدرس نامه بنویسید:
Unipath
U.S. Central Command
7115 S. Boundary Blvd.
MacDill AFB, FL 33621 USA

لطفاً اسم، شغل، القاب رسمی و یا سمت، آدرس
پستی و آدرس ایمیلی‌تان را شامل سازید.